

به خشنودی اهورامزدا

شناسنامه

پیک انجمن موبدان تهران

(نشریه داخلی)

پیش شماره سه

بهار ۱۳۸۶ خورشیدی

۳۷۴۵ دینی

مدیر مسوول: رییس انجمن موبدان تهران (موبد دکتر اردشیر خورشیدیان)

صندوق پستی ۱۴۳۳۵/۱۷۶

به کوشش:

گروه نشر و پژوهش انجمن موبدان

با سرپرستی: موبد پدram سروش پور

شماره رویه‌ها

نمایه

رویه

۳..... پیش‌گفتار

۵..... پیام‌ها

۵..... پیام انجمن موبدان به همایش دانش‌آموختگان پیشین دبیرستان مارکار یزد ۱۳۸۵/۳/۲۶..... ✓

۷..... سخنرانی موبد دکتر اردشیر خورشیدیان به مناسبت سی و هفتمین نشست تاریخ و مبنای طب سنتی... ✓

۱۶..... سخنرانی موبد دکتر اردشیر خورشیدیان در مراسم گهنبار چهره پیته‌شهیم گاه در دبیرستان پندار نیک. ✓

۲۰..... سخنرانی موبد دکتر اردشیر خورشیدیان در گردهم‌آیی گفتگوی ادیان پیرامون «ارزش‌های مشترک»... ✓

۲۴..... نوشتارها

۲۴..... آن‌چه من از گاتها آموختم..... ✓

۳۲..... تاریخچه آدریان تهران..... ✓

۵۱..... تاریخچه تهران پارس..... ✓

۵۶..... معرفی کتاب

۵۶..... کتاب زرتشتیان - دکتر کتابیون مزداپور..... ✓

۵۸..... کتاب زبان و ادبیات ایران باستان - دکتر زهره زرشناس..... ✓

۶۰..... پرسش و پاسخ‌های دینی

۶۴..... اخبار (رویدادها)

۷۱..... دهش خیر اندیشان

پیش گفتار

باور (عقیده) سازنده فرهنگ است و فرهنگ سازنده تمدن و باورهای نیک و درست فرهنگ پویا به بار می‌آورند. سنت یعنی بردن باور به زبان ساده و همه فهم بین مردم و با بررسی دقیق سنت‌ها ست که می‌توان به باورها پی برد. آنچه مسلم است از بدو تاسیس ایران از سوی کورش بزرگ که از شرق تا مرز چین و از غرب تا مصر و از شمال تا روسیه و از جنوب تا حبشه وسعت داشت، تا کنون کشور ما مورد چشم‌داشت بیگانگان بوده است و از دیرباز بسیاری از دشمنان دد منش به این سرزمین، ترک تازی کرده کرده و به بنیادی‌ترین حقوق این ملت تجاوزهای سنگدلانه نموده‌اند و دلیر مردان و شیرزنان را کشته، زنان و بچه‌های معصوم را به بردگی برده و مورد بیداد و توهین و تحقیر قرار دادند. بسیار روشن است که در چین زمان‌های سرنوشت سازس، بسیاری از بانوان ایرانی برای حفظ کیان و شخصیت ناموس خویش حاضر به تسلیم در بر ابر بیگانگان خدانشناس نشدند و با توشه‌ای اندک سر به بیابان گذاشته و در کنار چشمه‌سار یا آب و سبزی دور از دسترس دشمنان، روزگار گذرانیده و تن به خفت و خواری نداده و در بدترین شرایط که حتی دل سنگ به حالشان آب سده، به شهادت رسیده‌اند. در فرهنگ پارسی کلمه زن و زندگی و زمین با زامیاد هم ریشه بوده و به مفهوم زاینده می‌باشد که نور خانه و کدبانو شناخته می‌شود. در حالیمه کلمه مرد از ریشه مرته یا مرده است و هر مرد وقتی به درجه‌ای از نبوغ فکری و انسانی رسید، می‌پذیرد که به مقام مینوی جاودانگی و بی‌مرگی رسیده است و از آن به بعد باید بدون ترس از مرگ در راه حفظ کیان فردی و خانوادگی و ملی و انسانی خویش یه پیش رود. بر اساس این باور زرتشتیان شهید شدن مرد را یک امر طبیعی و از روی وظیفه می‌دانند، درحالی‌که شهادت بانویی که در راه حفظ کیان دینی و ملی خویش وظایف مردان را به عهده می‌گیرد و جان خویش را در راه آرمان مقدس از دست می‌دهد، از اهمیت بیشتری برخوردار است و بنا بر سنت زرتشتیان بیشتر «پیران» برای بزرگداشت از ازجان گذشتگی زنان پارسا و فداکار بنا شده‌اند تا آرمان ایشان بزرگ و گرامی داشته شود. تاریخ ایران و دانش ایران‌شناسی ثابت کرده‌است که نه تنها پیر سبز و وپیر هریشت و... برحق بوده و هست، بلکه کنار هر چشمه‌ساری هم که در ایران - آن هم در ایرانی به وسعت دوران باستان که پنج برابر ایران کنونی بوده‌ست - پیرسبزیایی وجود دارد که بانویی پاک سرشت

از دست دیوان ددمنش فرار کرده و در سخت ترین شرایط و بدترین حالت جسمی و روانی با فداکردن جان خود به مقام جاودانگی رسیده است. ما زرتشتیان با رفتن به چین مکان‌هایی که به حق و از روی دانش و آگاهی کامل از مقدس (سپندینه) ترین مکان‌های جهان است، نه تنها خرافه پرستی نمی‌کنیم، بلکه این فرهنگ والای انسانی را ارج می‌نهیم و فرا می‌گیریم و به فرزندان خود می‌آموزانیم که در مسیر زندگی ممکن است خدای ناکرده زمانی فرارسد که جان، عزیزترین و گرانبها ترین دارایی بشر، در برابر آرمان سپندینه انسان از یک پیشیز هم کم ارزش تر و بی‌بها تر باشد. براساس این باور جاودان و ارزشمند بوده است که چاه سرای بزرگ ایرانی می‌فرماید:

زندگی زیباست، ای زیبا پسند زنده اندیشان به زیبایی رسند

آنقدر زیباست این بی‌بازگشت کز برایش می‌توان از جان گذشت

بر ما زرتشتیان بایسته است که باورهای اشوزرتشت و سنت‌های خود را به درستی بشناسیم و با عملکرد خود آئینه تمام نمای فرهنگ زیبای مزدیسنی باشیم. بر زیارت‌کنندگان زرتشتی نیز بایسته است که به ویژه در اینگونه مکان‌های بسیار سپندینه و مقدس که گسترش دهنده فرهنگی بسیار پویا و شایسته می‌باشد، همه بایسته‌ها و شایسته‌های دینی خود را پاسدار باشند و از خوردن مواد غذایی در داخل پیر پرهیز نمایند و درون خيله‌ها و راهروهای عمومی، با انجام کردارهایی که شایسته شخصیت والای یک زرتشتی کامل است، برای دیگران و به‌ویژه کودکان و جوانان سرمشق باشند.

شادی و سرور معقول و انجام تشریفات سالم و ترتیب دادن مسابقه‌های جالب و سرگرم کننده به شومت پیر می‌افزاید و روان بلند آن بانوی از خود گذشته را نیز شاد خواهد کرد. چه نیکوست که ما زرتشتیان از پیر و جوان و زن و مرد که به نیاکان پر فر و شکوه خود می‌بالیم، با عملکرد خود بر نیکی‌ها بیفزاییم.

زیارت قبول، مراد حاصل باد

موبد دکتر اردشیر خورشیدیان

پیام انجمن موبدان تهران به همایش دانش آموختگان پیشین دبیرستان مارکاریزد

« ارستانوم . اروانو . یزه‌میده » بر روان همه درگذشتگان پارسا درود باد. «

زنده و جاوید ماند، آنکه نکونام زیست کزپی او ذکرخیر، زنده کند نام را

با درودی به بلندای فر ایران‌زمین و سپاس بی‌پایان به همه همشهریان گرامی و دانش آموختگان دیروز و اندیشمندان امروز دبیرستان مارکار یزد، که قدم رنجه فرموده، در این همایش بزرگ تاریخی فعالانه شرکت نموده‌اند. و پوزش از اینکه متأسفانه توفیق آنرا نیافتیم که در میان شما عزیزان باشم. اینجانب که امروزه در کسوت پزشک متخصص و جراح چشم و موبد زرتشتی و رئیس انجمن موبدان تهران انجام وظیفه می‌نمایم، در سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۱ تحت سرپرستی روانشاد فرزانه و بزرگ‌مرد تاریخ یزد « میرزا سروش لهراسب » و مدیریت اندیشمندانه جناب آقای « فرخانی » که عمرش دراز باد، دوران تحصیلی متوسطه خود را در این دبیرستان گذرانیدم و خاطرات بسیار زیادی از دبیران فرهیخته و هم‌کلاسی‌ها و دوستان ارجمندی دارم که از بهترین یادمان‌های زندگی‌ام می‌باشند. و حقیقتاً آرزو داشتم که این فرصت گرانبها نصیب اینجانب نیز می‌شد و می‌توانستم به زیارت شما هم‌دبیرستانی دوست‌داشتنی‌ام نائل می‌گردیدم.

اشوزرتشت، پیامبرباستانی ایران‌زمین و نخستین پیامبری است که کتاب آسمانی آورد و از یکتاپرستی و جهان‌مینی، خبرداد. همه انسانها از هر جنس و نژاد و مرام را دارای حقوق برابر دانسته، برخوردار از خرد و وجدان اهورا داده و آزادی انتخاب راه می‌داند. زرتشتیان اندیشه و گفتار و کردار نیک را از اصول اولیه دین خود دانسته و در هر جای گیتی که زندگی کنند، داد و دهش را ویژه همکیشان خود نکرده و همواره در حد توان همه انسان‌ها را از نیک‌منشی خویش بهره‌مند می‌سازند و بر اساس این باور اهورایی، در اوستای روزانه از خداوند بزرگ درخواست همیاری و همکاری با نیکان جهان رادارند. «پارسیان»، از بازماندگان ایرانیان زرتشتی کیش هستند که از حدود ۹۰۰ سال پیش، از ایران به هندوستان مهاجرت کرده‌اند، تا دین و فرهنگ خود را پاسداری نمایند و همیشه به

فکر بازگشت به میهن نیاکانی بوده‌اند، از حدود ۱۵۰ سال پیش، از باقی ماندن هم‌کیشانان در شهر یزد و کرمان باخبر شدند و رادمردی به نام «مانکجی لیمجی» را مامور تماس با این بازماندگان دین و فرهنگ ایران زمین نمودند. این پارسی فرهیخته و از خود گذشته، سال‌ها در بین زرتشتیان ایرانی زندگی کرد، تا بالاخره توانست با کمک خیرخواهانه پارسیان هند، «جزیه» سنگینی را که شاهان قاجار بر زرتشتیان تحمیل می‌کردند از کیسه پارسیان بپردازند و بار بزرگی را از دوش ایشان بردارد و مردم را تشویق به فراگیری دانش روز بنماید. آرام آرام پارسیان در ایران شروع به سرمایه‌گذاری فرهنگی نمودند. فرزانه بزرگ تاریخ، روانشاد «پشوتن جی مارکار» به ایران آمد و از اینکه هموطنان خود را در جهل و بی‌خبری دید، بشدت متأثر شد. او به باور گاتاها کتاب آسمانی خود ایمان داشت که «خوشبختی از آن کسی است که در پی خوشبختی دیگران باشد». با همت بلند خود و همسرش و تشویق فرهیختگان زرتشتی از جمله روانشاد میرزا سروش لهراسب، دبستان و دبیرستان پسرانه و دخترانه مارکار در یزد برای آموزش دیدن همه یزدی‌ها اعم از زرتشتی و مسلمان بنیاد نهاده شد و زمین‌های زیادی وقف این کار فرهنگی بزرگ گردید. موقعیت بسیار خوبی فراهم شد. افراد زیادی از همشهریان یزدی که از نادانی و جهل و فقر بشدت در رنج بودند، از داخل شهر و دهات اطراف یزد فرصتی طلایی یافتند و توانستند با پرداخت شهریه بسیار اندک از آموختن دانش تاسطح دیپلم، بهره‌مند گردند. و... و امروزه همه ایرانیان می‌دانند که شهر یزد که نامش از کلمه «ایزد» سرچشمه گرفته و «ستودنی» به حساب می‌آید، از نخستین شهرهای ایران بوده که با کمک زرتشتیان هند و ایران، از موسسات آموزشی برخوردار گردیده است. و اینجانب به جرات می‌توانم به همه شما فرهیختگان جامعه ایرانی که در این همایش بزرگ و تاریخی شرکت فرموده‌اید، باکمال احترام و افتخار بعرض برسانم که تحصیل کرده‌های یزدی شاید از اولین و برترین فرهیختگان و خردمندان ایرانی می‌باشند که در مقام و پست‌های گوناگون، در سرتاسر این سرزمین اهورایی، در کسوت آموزگار و دبیر و پزشک و مهندس و کارشناس مشغول خدمت‌گزاری به هم‌میهنان می‌باشند. که بخش بزرگی از این انسان‌های فرهیخته در مدارس وابسته به موسسات خیریه زرتشتیان همانند مارکار و کیخسروی و دیناری فارغ التحصیل شده‌اند. اجازه می‌خواهم که در این مکان اهورایی همصدا با شما فرهیختگان یزدی که در این مجمع بزرگ گرد آمده‌اید هم‌صدا شده، به همه دانشجویان و فرزندان گذشته و حال و آینده این سرزمین ایزدی درود فرستاده، به مقام شامخ «پشوتن مارکار» این فرهیخته تاریخ معاصر شهر یزد، شادی روان آرزو نمایم و از مسئولین شهر یزد درخواست کنم که همواره کوشش نمایند، تا نام نیک این راد مرد بزرگ را که دین بزرگی، بر دوش یزدی‌ها و دانش و فرهنگ ایران زمین دارد را زنده نگاه داشته، سرمشق آیندگان باشند.

به مناسبت سی و هفتمین نشست تاریخ و مبانی طب سنتی

سخنرانی موبد دکتر اردشیر خورشیدیان

بایشکس بهترین دروها به گرامی شورای علمی فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران و دبیر محترم آن جناب آقای دکتر مسعود کنزی که از اینجانب، موبد دکتر اردشیر خورشیدیان رئیس انجمن موبدان تهران و متخصص و جراح چشم دعوت فرمودند که در سی و هفتمین نشست گروه تاریخ و مبانی طب سنتی که در تاریخ امروز سه شنبه ۷/شهریور / ۸۵ در محل فرهنگستان علوم پزشکی ایران تشکیل می‌شود، در جمع اساتید راستین دانش و فرهنگ، شرکت نمایم. و موجب افتخار بیشتر، که فرصتی فراهم شد تا در مورد پزشکی و نقش نیاکان خردمندان، در این عرصه دانش بشری از دیرباز تاکنون سخن گویم .

((متاسفانه مشاهده می‌شود که دنیای غرب که رسانه‌های اصلی جهان را در دست دارند تبلیغات وسیعی کرده‌اند که هرچه علم و دانش و فرهنگ و فلسفه و غیره است همه از یونان سرچشمه گرفته است. درحالیکه بسیاری از علوم به خصوص علم پزشکی که شامل بهداشت و درمان است را به جرات می‌توانیم ادعا کنیم که از ایران شروع شده است.))

- بنابه یافته‌های زمین‌شناسی، از حدود دو میلیون سال پیش، انسان پا بر عرصه گیتی گذارده است. که روی دوپامی ایستد و انگشت شصت با کف دست او زاویه ۹۰ درجه می‌سازد. در نتیجه دو دست او که ابزار ساز است، آزاد می‌گردد. بنا بر باور اشوزتشت، انسان از فره ایزدی یا فروشی، منه (خرد) و دین (وجدان) برخوردار می‌شود و قدرت خالق العاده ای، ابداع و اختراع پیدا می‌کند. این قابلیت را هیچ موجود شناخته شده‌ای دیگر ندارد ...

- بشرتا حدود یک و نیم میلیون سال شبیه میمون‌ها فقط دردامن جنگلها زندگی می‌کند. بعدها غارنشین می‌شود و آتش را کشف می‌کند. بعدها می‌فهمید که لازم نیست دنبال شکار رفت و می‌توان دامداری کرد. تا اینکه دوازده هزار سال پیش کاشتن تخم را می‌آموزد و در دویست سال پیش صنعت و چهل سال پیش دوره انفورماتیک شروع می‌شود...

- بشر از همان ابتدا با بیماری دست و پنجه نرم می‌کرد. وبتدریج به خواص بعضی گیاهان در اثر تجربه پی می‌برد. برخی از راه‌های درمان را هم از حیوانات یا پرندگان که بطورغریزی انجام می‌دادند یاد گرفت.

کسانی که هنر درمان برخی بیماری‌ها را فرامی‌گرفتند نسل به نسل به بچه‌های خود می‌آموختند... حتی بصورت پریان و جادوگران از این هنر خویش سوء استفاده‌هایی هم می‌کردند که جای بحث دیگری است.

- انسان دارای سه نژاده یا تخمه است، اکثریت نژاد سفید تا حدود هفت هزار پیش در سرزمینی که در اوستا «آریان ویج» نامیده می‌شود، زندگی می‌کردند و بعدها گروهی به غرب (اروپا) گروهی به جنوب (خاورمیانه) و گروهی به جنوب (هند) مهاجرت کردند.(زندگی دامداری ناگزیربه مهاجرت بود).

- باور این مردم آئینی بود یعنی پیامبر ویژه و مشخصی نداشتند و بسته به مشاهدات خود از محیط زیست، باورهایی داشتند.

- آیین بیشتر مردم مهر، زروانیسم، هوشنگی و غیره بود که اشوزرتشت آنها را دیو یسنی (پیروان خدایان دروغین) می‌نامید.

- این طبیعت‌پرست‌ها به دو دسته خدا باور داشتند که هر چه بدیست را خدایان بد و هرچه خوبی است را خدایان خوب می‌آفرینند. بنابراین باور بهترین و عزیزترین داشته‌های خود را برای خدایان قربانی می‌کردند. تا دلشان به حال آنها به رحم آید و بدی نکنند.

- تا اینگونه باورها در اندیشه مردم حاکم بود انسان در مقابل بیماری‌ها خود را عاجز می‌دانست و کوشش زیادی برای درمان نمی‌کرد.

- اشوزرتشت بر اساس این باور خط بطلان کشید و کشف کرد که خداوند یکی است و آن اهورامزداست و هر چه آفریده شده، گوهر می‌باشد. و با وجود انسان است که نیک و بد حقیقت پیدا می‌کند. مزدا (ابردانا) اهورا(هستی‌بخش) است. ولی انگره تنها در من (اندیشه) است و اهره‌من وجود خارجی ندارد. از آن به بعد هم گیتی و هم مینیو، هم تن و هم روان و هم منه (خرد) و هم دایننا (وجدان) مهم شد. و به مردم آموزش داده شد که عارف باشند و از خدا ترسند و عاشق خدا باشند و دوستدار یکدیگر و طبیعت و محیط زیست و قربانی نکنند.

- کتاب آسمانی ما گاتاها و کتاب آئینی ما اوستا نامیده می‌شود. مطالب گاتاها آسمانی و اصول دین را تعیین می‌کند و غیرقابل تغییر است. درحالی‌که اوستا را انجمن موبدان وقت بسته بزمان و مکان فراهم کرده و شامل قوانین مذهبی و اوراد و آیین‌ها و بسیار قابل احترام و مقدس می‌باشد ولی آسمانی نیست و می‌تواند توسط انجمن موبدان وقت به شرطی که مغایر با اصول دین نباشد، تفسیر و تغییر یابد.

- وندیداد: یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌های فقهی جهان است که برای نخستین بار در تاریخ بشر به طور بسیار وسواسی از بهداشت شخصی و پاک نگه‌داشتن محیط زیست و استفاده از گیاهان دارویی بسیاری سخن گفته و رعایت دقیق آنرا از بهدینان خواستار شده است.

در این بخش از اوستا چنان دین و دانش و قوانین بهداشتی فردی و گروهی با قانون و آیین و فرمان‌های دینی، مذهبی درهم آمیخته و پزشکی با روحانیت یکدست شمرده شده است بطوریکه سرباز زدن از دستورات بهداشتی در فرد زرتشتی احساس گناهی عمیق می‌نموده است. این تدبیر موجب شده که تاریخ شاهد است که بیماری‌های فراگیر کمتر توانسته است در ایران گسترش یابد و ایرانیان بیشتر در اثر جنگ و تهاجمات خارجی کشته شده‌اند تا در اثر طاعون و وبا و غیره. ((هنوز هم نیاستی از نقش باور و فرهنگ غافل شد.))

قوانین بهداشتی وندیداد شاید ساده و ابتدایی به نظر رسد ولی باتوجه به دانش آن زمان کامل و حتی حیرت‌انگیز می‌باشد.

- این باور موجب شد که ایرانیان به این باور برسند که «بیمار» بیم (ترس) آر است و بایستی بدنبال «بیشه زو» (اسیب زدا) بود.

- کلمه «بیشه زو» ی اوستایی کلمه ایست که در طول زمان به «بزشک» و امروزه به «پزشک» تبدیل شده است.

- نیاکانمان می‌دانستند که نور خورشید و حرارت (خورشید نگرشنی) برای پلشت بری استفاده می‌کردند.

- در اوستا از شش نوع پزشک یاد می‌شود: اشوبیشه زو (پزشک بهداشت و پیشگیری) - اوروروبیشه زو (گیاه درمان) - کرته بیشه زو (کاردپزشک یا جراح) - داتوبیشه زو (پزشکی ازراه گسترش داد و قانون) - مانتره بیشه زو (که باخواندن کلمات مانتره درمان می‌کرد).

- ((در هر مزدیشت بند ۱ از چهارآمده است: پرسید زرتشت ازاهورامزدا، کدام کلام از پاک مانتره بزرگوارتر است که سراینده را زور و نیرو افزایش دهد در دل و نفس وی ظاهر شوداهورامزدا فرمود: ((ای زرتشت، نام من و کلام مقدس من، نیرومندترین، تندرستی بخش ترین، پاکی افزاینده‌ترین، چاره بخش‌ترین و دروج زداترین است .

کسی که نام مرا زمزمه کند کلام ماتره را زمزمه کند مانند جوشن پشت و زره پیش سینه به ضد انگره مینوهای نابکار، بکاررود. نه درد به وی رسد و نه آسیب. قدرت این کلام چنان است که گویی هزار مرد یک مرد را نگاهبانی کند.))

- مسلم است که باور نقش مهمی در عملکرد مردم دارد: مردمی که به زندگی دنیوی و جسمانی علاقه مند باشند جهت تامین و آسایش و سلامت خود می‌کوشند. درحالی‌که عده‌ای تحمل انواع مشقات به ویژه آلام جسمانی را پایه و وسیله ارتقاء روحانی خود می‌دانند.

- اشوزرتشت تمام باورهای سابق را که می‌گفت بیماری‌ها در اثر حلول ارواح خبیثه در بدن بوجود می‌آید را در هم شکست و فرمود که چون بر جهان قانون «اشا» حاکم است، به مردم پیام داد که منشاء بیماری‌ها در اثر ندانم‌کاری و عدم رعایت بهداشت و پلیدی و کردارهای زشت و فقر و بیداد و وسوسه‌های درونی است. و اساس مبارزه با بیماری‌ها را که پیش از اشوزرتشت ارضای خاطر خدایان به وسیله فدیة دادن و قربانی کردن خونین می‌دانستند را درهم شکست.

- اشوزرتشت خود پزشک بود و به خواص گیاهان بسیار واقف بوده است. در اوستا آمده است که ((وقتی مردم ایران ویج اشتهار درمانگری اشوزرتشت را شنیدند دردمندان به وی روی آوردند. «یوشت فریان» فرماندار سیستان را که به بیماری سختی مبتلا شده بود آمیخته‌ای از گنوکرن و آب داییتی نوشانید و بهبودی بخشید. اسب لهراسب را که فلج شده بود با تلقین کلام روحانی ماتره درمان کرد.

- در اوستا مبارزه با بیماری را در مرحله اول به وسیله اشوپزشک (بهداشت)، بعد اورور بیشه زو (گیاهان درمان)، سوم به کرته بیشه زو (جراحی) و در مرحله آخر به ماتره بیشه زو، درمان با تلقین کلام مقدس می‌داند.

- در اوستا پاک نگهداشتن چهارآخسیج، مبارزه باخرفستران (حشرات موزی)، جداساختن بیماران (نشوه یا ۹شبه) و زنان دستان و پلشتبری و ضدعفونی (با پادیاب) برای پیشگیری از شیوع بیماری توصیه شده است.

- جداکردن زن دستان و زن تازه بچه سقط کرده تا ۴۰ روز (دردوره نفاس) از شوهر موجب می‌شده که هم خانم خانه استراحت کند و هم از بسیاری از بیماری‌ها که ممکنست در اثر تماس جنسی بوجود آید پیشگیری شود.

- اشوزرتشت آموزش می‌داد که خوشبختی از آن کسی است که در پی خوشبختی دیگران باشند. کار و کوشش و مبارزه با بدی‌ها و منفی‌ها وظیفه بهدینان می‌باشد. از اینرو ایرانیان نه تنها برای آسایش خود بلکه برای آسایش مردم زیردست و ملل تابعه نیز می‌کوشیدند.

- مبارزه با فقر توسط «داتو بیشه زو» با برپایی مجالس داد و دهش و گاه‌انبار و گسترش داد در پیشگیری بسیار اهمیت داشته است.

- اوستا می‌گوید که نخستین پزشک آریایی در اوستا بنام «تریتا» بوده است. بسیاری عقیده بر این است که کلمه treatment هم از این ریشه است. ((دروندیداد فرگرد ۲۰ آمده است: کیست نخستین کسی که ناخوشی را بازداشت. مرگ را بازداشت. زخم نیزه پران را بازداشت. گرمای تب را از تن مردم بازداشت. اهورامزدا پاسخ داد که او «تریتا» از خاندان سام بود که دو پسر دلیر بنام‌های ارواخشیه و دیگری گشتاسب داشت. در میان پرهیزکاران پیشدادی بود نخستین کسی که ناخوشی را باز داشت.

- تریتا در زمانی می‌زیسته که هنوز هند و ایران از هم جدا نشده بوده‌اند.

- در فروردین یشت بند ۹۷ آمده: فروهر پارسای «سئنا» پور «اهوم ستوت» رادود می‌فرستیم که یکصد شاگرد داشت. در خداینامک این نام به «سین مرو» بعدها به «سیمرغ حکیم» تغییر نام داد. سئنا در خاطر ایرانی مانده بود و لقبی بود که به ابوعلی پزشک دادند.

- می‌گفتند که بدن از چهار آخسیگ هوا و آتش و آب و خاک درست شده است و تا هنگامیکه بین این چهار تعادل برقرار است و سلامتی نیز تامین می‌شود و بیماری از فرونی و کاهش آنهاست. تیپ بلغمی، آتشی مزاج و غیره در اثر عدم تعادل این عناصر است.

_ آنچه مسلم است هم اشوزرتشت پزشک بوده و هم جاماسب حکیم وزیر دربار شاه گشتاسب. (البته بایستی توجه داشت که علوم تا چند صد سال پیش اینهمه زیاد و تخصصی نبوده و اغلب پزشکان از علوم زمان آگاهی عمیقی داشته و «حکیم» خوانده می‌شدند.)

- پلوتارک مورخ یونانی در کتاب خود از مکاتب مختلف پزشکی در ایران خبر می‌دهد. «مکتب اکباتان» در سده ششم پیش از میلاد شرایط ورودی فوق العاده سخت داشته، در این مکتب علوم معانی یعنی فلسفه و ستاره‌شناسی و پزشکی و جغرافیا تعلیم داده می‌شده است.

- گزنفون از دانشگاه باعظمت پاسارگاد در برابر کاخ کورش سخن می‌گوید که: که در آنجا قوانین بهداشتی و پزشکی و درمانی تعلیم داده می‌شد و خود گزنفون پرستاری بیماران خانواده شاهی را بعهده داشت. به مردم آموزش داده می‌شده است که با بهداشت شخصی، تعدیل خورش، ورزش و سکونت در آب و هوای تمیز پایه تندرستی را حفظ کنند.

- در کتیبه‌ها نیز آمده است: خدای بزرگ است که این زمین را آفرید و غیره و همیشه اهورامزدا را بخاطر بخشش شادی به انسان ستایش می‌کرده‌اند. پیروان این مکتب برای رفع هر گونه الام بشری که در راس آنها آلام جسمانی است به شادی و امید بهاء می‌دادند.
- در مذهب زرتشت، اهورامزدا بنام‌های « بئیشه ترنا » (آسیب زداترین) « پشوتنا » (نگهدارتن) « بئشه زیوتما » (درمان‌دهنده درمان‌دهندگان) نامیده شده است.
- هر کلمه از باور سرچشمه می‌گیرد. بیمار یعنی بیم (ترس) آر. درحالیکه خارجی‌ها می‌گویند patient یا صبور. کلمه بیمار به مردم پیام می‌دهد که بایستی بدنبال درمان باشند. درحالیکه کلمه صبور از مردم می‌خواهد خود را به تقدیر بسپارند. برخی بر این باور هستند که بی‌مار یعنی بدون مار. چراکه مار را علامت سلامتی می‌دانند.
- در اردیبهشت یشت بند شش آمده که آسیب زدا بوسیله رعایت کامل بهداشت، انتشارداد، آسیب زدایی به وسیله گیاه، آسیب زدایی به وسیله چاقو، آسیب زدایی به وسیله تلقین کلام مقدس، این چنین است آسیب زدا ها، آسیب زدا تر، آسیب زدا ترین است.
- بعد از او جمشید یا ورجمکرد بود که مبتلایان به بیماری‌های پوستی و استخوانی و دندانی را متمایز کرد.
- یسنا ۱۰ بند ۹ آمده است «سومین نامور که بیماری را بازداشت. ترای تئونا (فریدون) بود. که درکتب هند و ایران ستاره شناسی و ساختن تریاق را به دیگران آموخت.
- ایرانیان اولین کشوری بودند که دارای حمام و توالت بودند. مرده خود را در هفتصد قدمی آب روان و در تابوت گلی خاک می‌کردند. یا سرکوه در محلی مخصوصی که دادگاه (دخمه) می‌گفتند می‌گذارند و در زمین قابل کشت هرگز خاک نمی‌کردند.
- در اوستا قوای بدن انسان را به پنج دسته تقسیم می‌نمودند: تن (اهو (جان)، دئنا (وجدان)، بئوزا (ادراک)، اروان (روان)، فروشی یا (فره ایزدی یا روح ازلی وابدی).
- درخانه زرتشتیان اطاقی سنگ فرش با تختخوابی جداگانه برای زنان داشتند که زنان در زمان عادت ماهیانه بمدت هفت شب از مردانشان جدا می‌کرد. چه اثر بهداشتی خوبی داشت.
- بنا بگفته صریح دینکرت منابع دانش پزشکی ایران در سه نسک (نسخه) از اوستا به نام‌های «هوسپارم نسک» «نیکادوم نسک» و «چیرات دات نسک» در کتابخانه تخت جمشید نگهداری می‌شد که به فرمان فاتح مقدونی به آتش کشیده شد و نسک دیگر که در گنج‌های شاپیگان بود به یونان برده شد.

- در باور زرتشتی بهترین راه عبادت خدا، پیروی از اندیشه و گفتار و کردار نیک و راه راستی (اشویی) است و پرستش خدا، به مفهوم پرستاری کردن از نعمت‌های خداوندی به ویژه آب و خاک و باد و آتش و خدمت به مردم می‌باشد.

- «مکتب مزدیسنا» راجع به بخش‌بندی بدن، البته نه بصورت کلاسیک بلکه با یک تقسیم‌بندی خاص خود بدن را ترکیبی از موها و عضلات و اندرون (احشاء و قلب شش) دستگاه آمیزی و دست و پا و یک انسان کامل را دارای هفت پاره می‌دانستند.

- در اوستا آمده است که یک بیشه زو (پزشک) باید بیمار را بدقت معاینه نماید. کتاب بسیار بخواند. و بسیار بیاندیشد. و به جزئیات توجه کند. اعضاء بدن و مفاصل را بشناسد و اطلاعات کافی راجع به گیاهان دارویی داشته باشد.

- در دادگاه‌ها جسد محکومین را پس از اعدام بنا بدرخواست پزشکان به آنها می‌سپردند. و تشریح برای نخستین بار در ایران رایج شده. بعد مصریان عهد بطالسه از ایرانیان اقتباس کرده‌اند.

- البته شناسانی وظایف اندام‌ها (نه خود اندام‌ها) ممکنست در ایران دیرتر شروع شده باشد و ما فقط از دوره ساسانیان یعنی از گندی‌شاهپور آگاهی داریم. ولی شاهنامه ذکر می‌کند که حتی در دوره پیشدادیان (پیش از تاریخ) هم ایرانیان رستم را باسزارین دنیا آورده‌اند.

_ دانشگاه گندی‌شاپور بعد از حمله اعراب کاملاً ویران و به دانشگاه بغداد منتقل گردید.

- گزنفون می‌نویسد که کورش پزشکان را بدربار دعوت می‌کرد و از ایشان در موارد اغذیه و مشروبات و داروهای موجود پرسش می‌نمود و راهنمایی می‌جست. داریوش دانشکده پزشکی «ساییس» در مصر را که رو به نابودی بود بازسازی کرد. و از پزشکان مصری خواست که به دربار او آمده و در تاسیس موسسه درمانی در ایران یاری‌رسان باشند.

- در دوره ساسانی به امر پزشکی بیشتر اهمیت داده شده است. اردشیر بابکان از «تسسر» موبد موبدان خواست تا دانش‌های پراکنده ایران را که از بیداد اسکندر دوباره گرد آمده بود به خصوص دانش پزشکی و فلسفه و ستاره‌شناسی را از هند و روم و مصر و یونان جمع‌آوری نماید. برزویه طبیب یکی از معروفترین پزشکان دوره ساسانیان است.

- بنا به گزارش «هوسپارم نسک» در زمان ساسانیان کلیه بیماری‌ها را مانند امروز به دو دسته متفاوت «جسمی» و «روانی» تقسیم می‌نمودند.

- در میان بیماری‌های پوستی از همه مهمتر به سودا و جرب و برص، جذام، کچلی و سوختگی آشنایی کامل داشته‌اند.

- خیزها را در اوستا از روی رنگ به نام سپیدباد (ورم کلیوی)، کبود باد (ورم قلبی)، سرخ باد نام برده‌اند.

- بیماری‌های چشمی را از روی رنگ و شکل بنام: سپیدچشم (آب مروارید) یا سرخ چشم (بوییت یا ورم ملتحمه) سبزچشم یا گلوکوم و کوژ چشم (فوزقرنیه) نام برده‌اند.

- واژه تب یک کلمه اوستایی است. واژه «تپنو» و فرد تب دار را «تپنه» می‌خواندند.

- شاهپور دوم (۳۷۹ تا ۳۱۰ م) دانشکده گندی شاهپور را در خوزستان بنا نهاد. و از ایران و هند و روم استادان دانشمند بدانجا گماشت. استادان ایرانی مانند «جورجیس بوخت ایشو» «جهانای اسویه» و «بوخت ایشو جورجیس» که خود از فارغ التحصیلان جندی‌شاپور بوده‌اند. در این محل پزشکان ایرانی، هندی، یونانی، رومی، سریانی، اسکندرانی و یهودی گرد آمده بودند. به طوری که از هر مکتبی دانشی سودمند برگرفتند تا جایی که از پزشکی دیگر کشورها پیشی گرفتند.

- تئودوروس پزشک نستوری کتاب بنام «کناش تئودوروس» نوشت که بعدها به زبان تازی برگردانیده شد.

- برزوی پزشک (۵۲۹ میلادی) کتاب کلیله و دمنه را از هندی به پهلوی ترجمه نمود و فصل سودمندی از پزشکی بر آن نوشت. و بسیاری کسان دیگر.

- در این دانشگاه پزشکان مجالس گفتگو یا پانل تشکیل می‌دادند و با یکدیگر و پزشکان خارجی به بحث می‌نشستند.

- در بیمارستان جندی‌شاهپور، درمان برای عموم رایگان بود.

- ((برای ضد عفونی کردن هوا «اشترک» که چون در آتش میریزند بخارهای آمونیاکی در هوا می‌پراکند. دوم سداب. وسوم اسفند که عقیده داشتند که چون دودشود، حشرات رادورو هوارا تمیز میکند.))

- ((پلشت بری‌ها بوسیله گل سفید یا کربنات دوکلسیم و پادیاب و نیرنگ از قدیمترین داروی ضد عفونی کننده در جهان است.))

- خسرو انوشیروان از پزشکان ایرانی «برزوی پزشک» را برای گردآوری گیاهان مختلف دارویی به هند فرستاد.

- در «شکند گمانیک ویچار» که یکی از کتاب‌های پهلوی ساسانی است اصطلاحات پزشکی زیادی آمده است.

- صاعد اندلسی گوید «از خصایص مردم ایران توجه شدید آنها به بهداشت و طب و احکام نجوم و علم تاثیر کواکب است.»

- به هرحال همیشه وضعیت علمی اقتصادی و اجتماعی ایران مورد رشک و حسد دیگران بوده است. بطوریکه از چهارطرف (شمال و جنوب و غرب و شرق) بشدت مورد هجوم بوده‌ایم و هنوز هم هستیم.

- کتاب‌های ما را سوزانیدند. حتی تا همین دوره قاجار اگر زرتشتی قادر نبود جزیه دهد می‌توانست کتاب ببرد تا به آب بریزند و از جزیه معاف شود. از این رو بسیاری از آثار علمی و ادبی ما از بین رفت و خوشبختانه این مقفع تعدادی را به عربی بازگردانیده است که جای تحقیق بسیار دارد.

نتیجه: تازمانیکه بین نیروهای مثبت و منفی تن و روان تعادل حاصل باشد سلامتی حاصل است. ایرانیان از پیشگامان علوم به ویژه در رشته پزشکی و بهداشت و درمان بوده‌اند. شاید بتوان طب ایران را با مصریان برابر دانست ولی تاریخ گواهی است که طب یونان بسیار دیرتر از ایران شروع شده است. گیاه شناسی از قدیمیترین کشفیات ایرانیان بوده است. از گیاهان داروئی مانند هوم، اییشن، کافور، مشک، عود، عنبر، گلاب، می و شراب و تریاک و غیره از هزاران سال پیش استفاده می‌شده است. ماتره پزشکی و انرژی درمانی در ایران از ارزش بسیار برخوردار بوده است. چند سال پیش مردی از چهار هزار سال پیش در سیستان «در معدن نمک» کشف شد. که نشان می‌داد بر روی جمجمه او کارد پزشکی (جراحی) انجام شده است. ((پیشنهاد می‌شود که چون هم «سزارین» و هم «رستمین» جنبه اسطوره داشته و تاریخی نیست لاقلاً ما ایرانیان به این عمل «رستمین یا رستم زایی» بگوییم.))

تهمورث پادشاه پیشدادی نخستین کسی شناخته شده که از آمیزش اسب و الاغ، استر یا قاطر را به دست آورد و می‌تواند از بنیان گزاران علم ژنتیک شناخته شود.

بطور فشرده می‌توان گفت که «بررسی عملکرد ایرانیان در دانش پزشکی» جای کار بسیار دارد. جهان غرب زده سرچشمه همه علوم را از غرب به خصوص از یونان می‌دانند درحالیکه ریشه بسیاری از علوم به ویژه پزشکی را بایستی از ایران و یا لاقلاً سرزمینی که به آن «اریان ویج» گفته می‌شد و در شمال ایران و جنوب شوروی بود، جستجو نمود. و دانست که مکتب مزدیسنا بعد از هجوم اسکندر به یونان رفته است. در این مسئله دیگر تردیدی وجود ندارد. در دامپزشکی و دندان پزشکی هم ایرانیان پیشرفت‌هایی داشته‌اند. حتی در ایران اجساد کشف شده است و که از استخوان برای کاشت دندان استفاده شده است و عمل جراحی روی مغز بشر به انجام رسیده است و این‌ها شعار نیست و حقیقت دارد.

گهنبار و نقش آن در فرهنگ سازی در گهنبار چهره پسته شهیم گاه در دبیرستان پندار نیک

سخنرانی موبد دکتر اردشیر خورشیدیان

پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک

راه در جهان یکیست و آن راه اشویی است.

- گاهان بار به مفهوم گاهان (زمان) بار (میهمانی خیر خواهانه از روی عشق و مهر) دادن می باشد. زرتشتیان در سال شش گاه (مرتب) که به «چهره» شهرت دارد برپا کرده و در هر چهره، به مدت پنج روز به دیگر مردمان «بار» مادی یا مینوی هدیه داده و نیازمندان را دستگیری می کنند و مهر و داد می گسترانند و بذل و بخشش می نمایند و دلجوئی می کنند.

- بهدینان در نگرش سنتی خود باور دارند که آفرینش جهان از سوی اهورامزدا در شش مرحله از شش چهره گاهان بار انجام شده است.

۱- چهره میدیوزرم (میان بهار) در این گاه آسمان آفریده شده است.

۲- چهره میدیوشهم گاه (میان تابستان) که همزمان با روز آفرینش زمین است.

۳- چهره پسته شهیم گاه (آخر تابستان) که در این گاه آب آفریده شده.

۴- چهره ایارم گاه (آغاز فصل سرما) که رستنی ها آفرینش یافته.

۵- چهره میدیاریم گاه (میان زمستان) که جانوران آفرینش یافته اند.

۶- چهره همسپت میدیم گاه (هماهنگ با برابری شب و روز) **انسان**، برخوردار از خرد (منه) و وجدان (دائنا)، آفریده شده است.

و این ترتیب آفرینش، امروزه نیز مورد تایید دانشمندان است.

به جای آوردن مراسم گاهان بار پاداشی بزرگ دارد، بر همه بهدینان از پیر و جوان و دارا و نادار و زن و مرد بایسته است که در این جشن فرخنده شرکت جویند و حتی بر کسیکه توان مادی برگزاری گاهان بار را ندارد،

نیز سفارش شده که در مراسم هایی که دیگران بانی آن می باشند، مشارکت و همیاری داشته باشند.

بهدینان با وقف کردن قسمتی از مال خویش به اجرای باشکوه و پربار مراسم مذهبی گاه‌انبار می‌افزایند. یاد آن روزهای شکوهمند به خیرباد. در مراسم‌های باشکوه جشن‌های گاه‌انبار یزد، به مدت پنج روز در هر بخشی از محله زرتشتیان، محل آمد و رفت و شادی و سرور و داد و دهش و خیر و خیرات بود. تقریباً همه خانواده‌ها فندی را بصورت وقف برای برگزاری گاه‌انبار اختصاص داده بودند. از جوان و پیر و زن و مرد در جنب‌وجوش بودند. سراسر محله سرشار از همت بود و غیرت. جوانمردی بود و گذشت. مهر بود و عشق به هم‌نوع. همه زرتشتیان در هر سطح مقام و درآمد، وظیفه خود می‌دانستند که در مراسم گاه‌انبار شرکت کنند. گاه‌انبار از آن همه بود و مال همه است. از هر دین و مذهبی که بود، می‌توانست هم‌بهره شود و بهره‌گیرد. **براستی دریغ است که این آئین‌های نیکو فراموش شود.**

آیین (سنت) گاه‌انبار بقدری گرامی بوده است، که پس از اسلام نیز ایرانیان این سنت زیبا را فراموش نکرده و هنوز هم به سنت وقف اهمیت می‌دهند و به هر بهانه‌ای، در مراسم سوگواری یا شادی کوشش دارند که به داد و دهش پردازند. مقداری میوه تر یا خشک (لرک) یا آب میوه و غذاهای بسته‌بندی شده را بی‌دریغ به هرکس که مراجعه کند، «بار» می‌دهند. (چه خوبست که ما نیز که از بنیان‌گذاران این فرهنگ بوده‌ایم این روش فرخنده را فراموش نکرده، بکارگیریم و دیگران را از دهش خویش بهره‌مند سازیم.)

«فرهنگ»، از دو کلمه «فر» و «هنگ» درست شده است. «فر» باورهای ایزدی (ستودنی) و «هنگ» هماهنگی است. سرهنگ به سربازان خود هماهنگی می‌دهد و فرهنگ، باورهای درونی انسان‌هاست که به افراد و اجتماع آدمی هماهنگی می‌دهد.

نقش باور (عقیده) را هرگز نباید فراموش کنیم. در حقیقت باور همانند فایل EXE برنامه‌های کامپیوتری، بالاترین فرمانده اندیشه و تن است. باورهای درست و انسانی (ایزدی)، نیکی و راستی می‌افشاند و باورهای نادرست و دروغ (دیوی) فساد و تباهی در پی دارد.

«مدنیت» با قانون‌گذاری بوجود می‌آید و باید مکمل فرهنگ باشد نه در مقابل آن. امروزه جامعه‌شناسان نقش فرهنگ را از مدنیت بسیار مهم‌تر می‌دانند. چرا که باورهای درست که فرهنگ‌ساز است، به طور خودکار انسان‌ها را درجهت راستی و نیکی رهبری می‌کند و نیاز به مامور و پلیس ندارد. متأسفانه در جامعه به شدت مادی‌امروزی، بیشتر مردم بدنبال منافع خودشان می‌باشند. درحالی‌که این جمله گاتاها به اثبات رسیده که «خوشبختی واقعی از آن کسی است که در پی خوشبختی دیگران گام برمی‌دارد». سیستم اقتصادی فردی و اجتماعی بایستی به ترتیبی برنامه‌ریزی شود که ملاک داشتن، مفید بودن باشد و اختلاف درآمد طبقات مختلف از یک نسبتی تجاوز نکند.

مراسم گاهان بار بطور غیرمستقیم و بسیار انسانی، «داد» و فرهنگ دهش را در سطح جامعه می‌گستراند و عشق می‌آفریند.

در نماز یتا اهو می‌خوانیم که «درگویو ددت واستارم»: «بهدین وظیفه دارد که هر نیازمندی را دستگیری نماید.» از این دیدگاه، همه ما انسان‌ها، بدون استثنی، به نحوی نیازمند بحساب می‌آییم. برخی نیازمادی دارند و برخی نیاز معنوی، ولی هیچکس نمی‌تواند ادعا کند که بی‌نیاز است. گیاهان «بار» می‌دهند. بانوان حامله را «باردار» می‌گوییم. تفاوت باردادن با مهمانی هم همین است. مهمانی می‌دهیم تا روزی بازپس گیریم. درحالی‌که بار را بی‌دریغانه می‌دهیم و انتظار برگشت آن را نداریم. شایسته است که همگی فراگیریم که بخشی از درآمد خود را صرف داد و دهش نموده، در اجرای اینگونه مراسم‌های خیرخواهانه با جان و دل یاری‌رسان باشیم. شاید بار اول یا دوم مشکل باشد. ولی کم‌کم عادت خواهیم کرد و در فرهنگ‌مان جای خواهد گرفت و بر توانایی‌های مان خواهد افزود. با شرکت و همیاری در این گونه مراسم به قابلیت‌های خویش پی خواهیم برد، مشکلات مردم را بیشتر خواهیم شناخت و تعاون را آموزش خواهیم دید و درست زیستن و نیک زیستن را فرا خواهیم گرفت و در نهایت این گونه باورهای انسان‌ساز و نیکی‌گستر وارد در فرهنگ ما خواهد شد و از زندگی لذت بیشتری خواهیم برد.»

لذتی که درگذشت خواهیم یافت، در هیچ امر دیگری دیده نشده است. «

پنج روز گاهان بار فرصتی است گرانبها که به درون‌نگری پرداخته و مهر و شادی بگسترانیم. این فرصت زیبا را از دست ندهیم.

از امروز کوشش کنیم به سنت‌های نیاکانی بیشتر بهاء دهیم و هم‌بهره شدن یعنی با هم بهره بردن را بیاموزیم. وظیفه خود بدانیم که در مراسم واج یش گاهانبار که در بامداد آغاز هر چهره، در محل آتشکده و دیگر آئین‌های مشابه، در هر مکانی تشکیل می‌شود، فعالانه شرکت جوییم و با داد و دهش به هم‌زوری واقعی و شادی بیافزاییم.

به افراد مسن سربزنیم. دشمنی‌ها را کنار نهمیم. دوستان را دریابیم، نسبت به همه انسان‌ها احساس مسئولیت کنیم و یاری‌رسان باشیم. همت و غیرت را در خود افزایش دهیم. مهرورزی و عشق آموزیم. بیاری اهورامزدا.

نخستین همایش موبدان و موبدیاران سراسر کشور نتیجه پرباری داشت: لباس‌های روحانی یکنواخت شد. اوستاهای بایستنی در مراسم آیینی هماهنگ گردید. باورهای پشت سنت‌های زیبای زرتشتی تا حد زیادی شناخته و آموزش داده شد و پاسخ‌های دینی یکسان گردید. و در دفتری بنام «بایسته‌های دینی و آیینی» با تایید و مهر انجمن موبدان تهران برای همه موبدان و موبدیاران و انجمن‌ها و سازمان‌های زرتشتی سراسر کشور فرستاده

شد که از اول امرداد ماه امسال لازم الاجرا می‌باشد. و از اول آبانماه بر اجرای درست و دقیق آن نظارت خواهد شد. مطمئن هستیم که همگی به رسالت خود عمل کرده و بیش از پیش به هم‌آزوری و هم‌یاری خواهیم رسید. به امید اهورامزدا.

امروزه بیش از همیشه، دین و فرهنگ ما مورد بی‌توجهی قرار گرفته و نیاز به پژوهش و کار بسیار دارد، که هر کدام «بار» مالی می‌طلبند. شناخت و معرفی دانش دین و فرهنگ مهم‌ترین کار انجمن موبدان تهران است. همکیشان ارجمند باید توجه داشته باشند که یاری رسانیدن به امور مینوی (دینی فرهنگی)، کمتر از یاری به ساخته شدن یک خوابگاه یا مدرسه نیست. کمک‌های مادی و معنوی خود را از انجمن موبدان تهران دریغ نکنید. در کمیته‌هایی که تشکیل داده‌ایم، فعالانه شرکت جوئید و کمک‌های مادی خود را به حساب جاری شماره: ۳۱۱۱۶۸۰۵ بانک تجارت شعبه فتحی شقاقی کد ۳۱۱ به نام انجمن موبدان تهران واریز نمایید. همت کم نکنید.

کلاس‌های آموزشی دین و فرهنگ زرتشتی از اول مهر در محل دبیرخانه کنکاش آغاز بکار خواهد کرد. با شرکت فعال خود بردانش دین بیفزایید. جناب آقای موبد سروش پور که اداره این بخش راعهده‌دار شده‌اند جزییات بیشتر را به آگاهی همکیشان خواهند رسانید.

وطن ی‌اد اشوزرتشت جاوید که دل را می‌برد تا اوج خورشید
وطن یعنی اوستا خواندن دل به آئین اهورا مانند دل

ما ایرانیان از نخستین ملتی بودیم که آتش را کشف کرده و به نحو شایسته از آن استفاده نمودیم. دامداری و کشاورزی را ابداع کردیم. در بسیاری از علوم از قبیل ستاره‌شناسی، دامداری، کشاورزی، پزشکی و گیاه‌شناسی و کشف و شناخت فلزات، شیشه‌گری، ریسندگی و بافندگی و دانش و هنرهای بسیار دیگر از پیشگامان بوده‌ایم. نخستین پیامبر بزرگ و اندیشه برانگیز و آدمی‌پرور عالم از میان ما برخاست که زن و مرد را برابر دانست و برادری و راستی را آموزش داد و مانند خورشیدی بر دیگر باورها و فلسفه‌ها و فرهنگ‌ها نورافشانی کرد. نخستین (و شاید تنها ملتی بودیم) که حقوق بشر را نوشتیم و برده‌داری را ممنوع اعلام کردیم. سنت‌های نیکو و زیبا گذاردیم. چهار آخشیج را شناختیم و احترام به طبیعت را وارد در رفتار و فرهنگ خود کردیم. دیگر ملت‌ها را دوستدار بودیم و عدل و داد گسترانیدیم ووو...

چرا که سربلند زندگی نکنیم؟ مگر چه کم داریم؟ فرهنگ نیاکانی ما پر از دانش و وجدان و خرد است. و ایمان داریم که ما نیز می‌توانیم «از زمره کسانی باشیم که جهان را بسوی آبادانی و مردمان را بسوی آشویی رهنمون می‌باشند». گاهان بارفرخنده باد. روان و فروهر نیاکان پشت و پناه‌تان باد. یاری کنید تا فرهنگ «بار دادن» را بیاموزیم و به فرزندانمان بیاموزانیم.

گردهم آیی گفتگوی ادیان با موضوع "ارزش های مشترک"

سخنرانی موبد دکتر اردشیر خورشیدیان

باپیشکش درود بی کران به همه دست اندرکاران و باشندگان در این گردهمایی بسیار باشکوه و فرهمند. پیش ازهرچیز، از سوی خود و هموندانم در انجمن موبدان تهران و جامعه زرتشتی از جناب آقای سید محمد علی ابطحی رییس موسسه گفتگوی ادیان، که از اینجانب دعوت بعمل آورده تا در این گرامی نشست هفته جهانی گفت و گوی ادیان با موضوع « ارزش های مشترک » شرکت جسته و دیدگاه دین خود رایان دارم، سپاسگزاری می نمایم.

۳۷۴۴ سال پیش اشوزرتشت به پیامبری برگزیده شد و از کوه اشیدرنه (سبلان) در کنار دریاچه چیچست (اورمیه) که مدت ۱۰ سال در آن کوه گوشه نشینی اختیار و به اندیشیدن پرداخته بود، فرودآمده، دین خود را در کتاب آسمانی «گاتاها» به جهانیان هدیه نمود.

بنیاد باورهای این پیام آور بزرگ ایرانی بر: یکتاپرستی (توحید)، اعلام پیام آوری (نبوت) و باور به جهان مینوی (معاد) می باشد که از نخستین مشترکات همه ادیان اهورایی در جهان چه آریایی و چه سامی می باشد. و دین خود را مزدیسنی (مزدا پرستی) نام نهاد و با تشکیل انجمن مگان (مغان)، که حدود بیش از سی سال ریاست آنرا به عهده داشت، اساس آئین (سنت) های دین خود را بنیان نهاد و کیش (مذهب) زرتشتی پی ریزی و بصورتی عملی وارد در زندگی ایرانیان شد. در این دین اهورامزدا، خداوند جان و خرد شناخته شده، که به انسان قدرت خارق العاده «منه» (خرد) و «دائنا» (وجدان) بخشیده و ترازویی بسیار دقیق با آزادی انتخاب راه در اختیار بشرنهاد تا اگر تصمیم گرفت و اراده کرد، بتواند برآستی از دیگر موجودات روی زمین برترگشته، همه قوانین « اشای » حاکم بر

طبیعت را بشناسد و در راه خیر و صلاح همه مردمان گیتی، با گسترش همه نیکی‌ها و فراهم کردن زندگی سراسر شادی و آبادانی و صلح و دوستی در جهان بکار گیرد.

اشوزرتشت، همه انسان‌ها را از هر جنس و نژاد و مذهب برابر دانسته و اخلاق انسانی یعنی پیروی از اندیشه و گفتار و کردار نیک (هومت وهوخت وهورشت) و اشویی (راستی و پاکی) در جهت ایجاد یک زندگی سالم را آرمان داشته است که در آیات گاتاها می‌فرماید:

« ماخواستاریم از زمره کسانی باشیم که با عمل به اندیشه و گفتار و کردار نیک و پیروی از اشویی (راستی و پاکی)، جهان را بسوی پیشرفت و آبادانی رهنمون می‌باشند.»

در باور پیامبر ایرانی انسانیت از ملیت و مذهب بالاتر است. او به پیروانش می‌آموزد که نخست باید انسان بود و با راستی بر علیه دروغ (دروغ) و بر همه اهرمن‌های درونی و برونی، از روی دانش و آگاهی و با نیروی من (خرد) و دین (وجدان)، به مبارزه دائمی پرداخت. ملیت در این دین در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد، هر چند که توصیه می‌شود که هرکس از اهالی هرکشوری که باشد وظیفه دارد میهن خود را دوست داشته، در جهت آبادانی آن کوشش نماید.

در باور زرتشتی همه پیامبران، رسولان یا پیام‌آوران می‌باشند که از سوی خداوند برگزیده شده‌اند تا انسان‌ها را به پرستش خدای یگانه، از روی شناخت کامل، دعوت نمایند. درحقیقت پیام‌آوران گیتی رسولانی بوده‌اند که خداپرستی را تبلیغ کرده‌اند، نه خودپرستی را.

و این اصل نیز از باورهای مشترک بین همه ادیان می‌باشد که پیروان مذاهب را با دانش کامل، به یگانگی دعوت می‌نمایند. همه انسان‌ها با آگاهی و شناخت کامل بایستی به این حقیقت برسند، که همه پیامبران، بدون استثنا، خود را رسولان خدا دانسته و آمده‌اند که ما را به «خود» آوردند تا هرچه بیشتر از روی آگاهی کامل، با از خودگذشتگی و خویشکاری با اسلحه خردمندی و مهرورزی در خدمت دیگر مردمان گیتی بوده، به آفریننده کل یعنی خداوند بزرگ و مهربان هم‌پیمان و نزدیک گردیم. در طول تاریخ بسیاری از اندیشمندان و شاعران هموطن ما این حقیقت مشترک بین همه ادیان را دریافته و به جهانیان اعلام نموده‌اند که می‌فرماید:

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی ببرد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار

یا می‌فرماید:

عبادت به جز خدمت خلق نیست
به تسبیح و سجاده و دلق نیست

یا : جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

اینجانب زمان زیادی است که علی‌رغم وظیفه سنگین پزشکی که بعهدہ دارم، از روی ضرورت انتخاب مقام موبدی، به مطالعه و بررسی ادیان و مذاهب موجود در جهان پرداخته‌ام. بین اصل و اساس پایه‌ای ادیان در جهان، هیچ اختلاف بنیادی مشاهده نموده‌ام و دریافته‌ام که همه پیامبران گیتی، هریک به زبانی و به نوعی که برای مردم زمان و مکان ظهورشان همخوانی داشته باشد انسان را به پیروی از راستی و درستی و تلاش در رسیدن به همه نیکی‌ها و دوری از همه کژی و کاستی‌ها در جهان از روی شناخت خود و خدای عالمیان، سفارش کرده‌اند. و با بررسی تاریخ و مشاهداتی که در این جهان پراشیده و پر از تنش مشاهده می‌کنیم، به این نتیجه رسیده‌ام که: این همه اختلاف و نادیده گرفتن کرامت انسانی و برادرکشی را که متأسفانه در جهان امروز شاهد آن بوده و می‌باشیم، حاصل عملکرد نادرست پیروان، مسئولیت‌شناس و ناآگاه مذاهب مختلف در گیتی است که از روی تنگ‌نظری، منافع شخصی یا گروهی را، بر منافع و مصالح جامعه بزرگ انسانی ارجح دانسته و به اساس ادیان الهی پشت کرده‌اند. وگرنه همه پیامبران از یک مبدا آمده‌اند و به یک مبدا پیوسته‌اند و ما را به یک مبدا لایزال و ابدی فرا می‌خوانند و نه تنها هیچ اختلافی با یکدیگر ندارند، بلکه جز به اتحاد و بالابردن سطح معنویت در جامعه جهانی که «انسانیت» نامیده می‌شود، اندیشه‌ای در سر نداشته‌اند.

از رهبر گرانقدر و دولت محترم جمهوری اسلامی ایران از سوی انجمن موبدان تهران و جامعه زرتشتی کمال سپاسگزاری را دارم و از همه دولت‌مردان و مسئولین رسمی ایرانی تقاضا می‌نمایم که به اینگونه گفتگوها بیشتر بها دهند تا با درک اندیشه‌های دیگر پیروان ادیان، هر روز بیشتر از دیروز به هم‌زوری و هم‌دلی برسیم. که تنها و تنها راه پیشرفت و گسترش همه راستی‌ها و نیکی‌ها در ایران و جهان، رسیدن به همدلی از راه هم‌اندیشی بر پایه احترام متقابل بین پیروان همه مذاهب می‌باشد.

بی‌شک ایرانیان که نخستین پیامبر صاحب کتاب از میان ایشان برخواسته و از فرهنگی بسیار ریشه‌دار و غنی برخوردار و در طول تاریخ پهلوان‌پرور بوده و نخستین اعلامیه حقوق بشر را تنظیم و به جهانیان هدیه کرده و خواهان رسیدن به همبستگی بشری و صلح جهانی می‌باشند، در عصر حاضر نیز می‌توانند: با شناخت کامل موقعیت جهانی و با تکیه بر فرهنگ پربار خویش، رهبری این نهضت بزرگ رسیدن به صلح جهانی را با «فلسفه احترام به پیروان همه ادیان، تساهل نسبت به تمام فرهنگ‌ها و عشق به زندگی» که آرمان همه دین‌باوران و دین‌باوران جهان از جمله موسسه «خانواده جهانی صلح و دوستی» می‌باشد، را در دست گرفته در این راه پیشرو و مجدانه پیگیر باشد.

در فرهنگ ما «هنجمن» که یک کلمه گاتاهی است و امروزه «انجمن» گفته می‌شود، به مفهوم محل رسیدن رودخانه‌های کوچک به یکدیگر است که با بهم پیوستن و همکاری و هم‌زوری آنها رودی بزرگ در جریان می‌افتد و آبادانی می‌گستراند و شادی می‌افزاید و طراوت می‌بخشد. با توجه به اینکه پیروان هر کدام از پیامبران الهی از هر گوشه‌ای از دنیا، نیز مانند رودی هستند که اگر بصورت انجمنی با یکدیگر پیوند یابند، قدرتی بزرگ در جهت آبادانی و صلح و دوستی و گسترش نیکی و راستی در جهان بدست خواهند آورد. **پیشنهاد** اینجانب به عنوان یک عضو کوچک از جامعه بزرگ ایران اینست که: یک انجمن خصوصی غیرانتفاعی، در جهت پیداکردن دقیق‌تر مشترکات ادیان و تلاش در راه رسیدن به تفاهم بیشتر با احترام متقابل و تساهل نسبت به تمام فرهنگ‌ها و عشق به زندگی، در سرزمین ایران تشکیل گردد و از همه حق‌جویان ایرانی از پیروان ادیان رسمی کشور دعوت به همکاری گردد. تا این گردهم‌آیی‌ها به نتایج شایسته‌تری رسیده، بتواند در راه همبستگی ادیان الهی گام‌های بلندتری بردارد.

«دائنوی» اوستایی و «دیانای» لاتین و کلمه «دین» امروزی به مفهوم وجدان یا دانش درون است و هدف یا کار دین، وجدان‌پروری از راه خردورزی می‌باشد. با امید به اینکه به یاری خداوند بزرگ و چاره‌ساز، هرچه سریعتر این آرمان دیرینه همه پیامبران و انسان‌های فرهیخته و فرزانه گیتی جامه عمل به خود گرفته و صلح و آرامش و دوستی سراسرگیتی را فرا گیرد. و هیچ انسانی در جهان، بیم دشمنی حتی از دشمن خود را نیز نداشته باشد. که در فرهنگ ایرانی «دژمنی» به مفهوم بد منشی از روی نادانی و جهل است و دانایی و خرد جمعی، جز نیکی و راستی و پاکی و صلح و آرامش و دوستی و... در یک کلام «آدمیت» را نمی‌پذیرد.

شادزیوید. بکامه زیوید

ایدون باد. ایدون ترج باد.

آنچه من از گاتها آموختم . . .

رامین شهزادی

شمار آموخته های ما از گاتها ، به تعداد نفراتی از ماست که در اعماق این اشعار ژرف غوطه ور می شویم .
در این جا آموخته های برخی از فرزندان خود را از گاتها می خوانید ،
به این امید و آرزو که برانگیزنده اندیشه ها و رامش بخش جان ها گردد.

انجمن موبدان تهران

سخن از گاتهاست. کتابی که می باید و می شاید پیش و بیش از هر نوشته دیگری در دست هر زرتشتی باشد، چراکه سرودهای پیامبرش «شوزرتشت» است. گاها، گاسان و گاهان تلفظهای دیگر آن به اوستا، پهلوی و فارسی بوده و در اوستا و سنسکریت به معنای «سرود پاک» می باشد. اما این نامیست که مردم زمانه بر آن نهاده اند و گاتها خود را «مانتره» به معنای ابزار برانگیختن اندیشه ها معرفی می کند. در واقع سخنانی پر مغز و نغز است که بیدارکننده ذهن ها و بینایی بخش خردهاست. این خود بیانگر این مطلب است که نباید گاهان را همچون برخی قسمتهای اوستا طوطی وار حفظ کنیم. این سرودها تنها ستایش و نیایش نبوده بلکه آیین زندگانی و راهنمای رسایی و جاودانیست.

این گنجینه تقریباً یک شانزدهم اوستاست، چون نگینی در دل یسنا جای دارد و یک چهارم آن را شامل می‌شود. ۱۷ سرود دارد و از روی وزن و آهنگ بر پنج بخش تقسیم گشته که وزن‌هایشان را می‌دانیم ولی افسوس که آهنگ‌های آنها را فراموش کرده‌ایم و شاید تنها در ترانه‌های محلی و آوازهای اصیل ایرانی حفظ شده باشد. بر بسیاری نوشتارهای فلسفی و دینی بعد از خود تاثیرگذار بوده و حتی شیوه نگارش آن بعدها در تنظیم قرآن تقلید شده است.

[همانطور که گاهان با هفت سرود اهنودگات (۱۰۰ بند) آغاز و به یک سرود وهیشتوایش گات (۹ بند) پایان می‌یابد، قرآن نیز از بلندترین سوره (بقره با ۲۸۶ آیه) شروع و با کوتاهترین سوره (ناس با ۶ آیه) خاتمه می‌پذیرد. گاتها یثا هو (۶ مصرع) را به عنوان مقدمه پیش از خود در یسنا دارد و قرآن نیز با سوره الفاتحه (۷ آیه) گشایش می‌یابد.] این سرودهای پاک نوعی جهانبینی است و نگرش فکری خاصی را مطرح می‌کند که من سعی می‌کنم در این چند سطر به اندازه فهم و درک خود از آنها سخن برانم :

سرود نخست

اشوزرتشت در ابتدای گاهان شیوه پسندیده راز و نیاز با پروردگار را بیان می‌کند که در آن هیچ یک از آثار ترس، بندگی و بردگی به چشم نمی‌خورد. دست‌هایی برافراشته، که به تعبیری می‌تواند نشانه درقیدوبند نبودن و یا شوق درآغوش گرفتن معشوق باشد و حتی امروزه در علم انرژی درمانی، انگشتان باز دست را یکی از راه‌های دریافت و انتقال انرژی می‌دانند. نیایشی برخاسته از فروتنی که از روی ترس و یا در آرزوی پاداش آسمانی نیست بلکه بدان امید است که خداوند به او تاب و توانی ارزانی دارد تا بتواند با کارهایی که از روی خرد و با دانش نیک انجام می‌گیرد، جهان را آباد و جهانیان را شاد گرداند. [عبادت به جز خدمت خلق نیست . . . به تسبیح و سجاده و دلق نیست] (۱- ۲۸). زرتشت سرودگویان با ترانه‌هایی که پیش از او کسی بر زبان نیاورده (۲- ۲۸) با آفریدگارش سخن می‌گوید. در تلاش است تا روانش را با اندیشه نیک همساز گرداند و آیین راستی را به همگان بیاموزد. چرا که می‌داند هر کاری برای خدای دانا انجام گیرد پاداش نیک در پی دارد (۷ و ۴- ۲۸). از اهورامزدا نیروی نیک اندیشی (موهبت اندیشه نیک) را می‌خواهد چون این گوهر انسان را آگاه و رازهای جهان را برایش آشکار می‌سازد (۸- ۲۸) و معتقد است هیچ نیایشی نیست که از جان و دل برآید و بی‌پاسخ بماند (۱۰- ۲۸).

سرود دوم

سرود دوم گاهان را می‌توان یکی از کهن‌ترین نمایشنامه‌های ایرانی و آریایی دانست که ویژگی منحصر به فرد آن به نظم بودنش است. نمایشنامه‌ای ضدِ جور و ستم، استعمار و استثمار که برابری و آزادی، پیشرفت و آبادانی را آرمان دارد. نقش‌آفرینان آن به ترتیب لب‌گشودن، گئوش اوروان (روان جهان)، گئوش تشن (سازنده جهان‌زنده)، اشا (راستی و هنجار هستی)، اهورامزدا (خداوند جان و خرد)، وهومنه (منش نیک) و زرتشت (برگزیده سروری و رهبری) می‌باشند. در واقع این بخش به ما می‌نماید که چگونه صفات و پرتوهای گوناگون آفریدگار در کارند تا جهان را به سوی تکامل و پیشرفت رهنمون سازند. این سرود روزگاری را به تصویر می‌کشد که ظلم و ستم برتری یافته (۱- ۲۹) و اینجاست که باید اندیشه نیکِ اهورایی پدیدار شود و نشان دهد که دانش بر زور پیروز است (۷- ۲۹). زرتشت برای این ماموریت برگزیده می‌شود چرا که آموزش‌های مزدایی را به خوبی دریافته است (۸- ۲۹). پس باید به او توانایی این کار داده شود و شگفتا که نیروی چنین کسی در سخنوری او نهفته است، نه در بازوان ستبرش. دیگر زمانبست که اندیشه روشن بر زورِ بازو و زبانِ شیرین بر تیغ تیز برتری می‌یابد (۹ و ۱۰- ۲۹).

سرود سوم

در ادامه گاتها به ما سفارش می‌کند که شنوندگان خوبی باشیم و پیش داوری نکنیم. بهترین گفتار بزرگان و دانایان زمان را بشنویم و با اندیشه روشن بنگریم. اشوزرتشت در جایگاهی که سخن از پذیرفتن مسیر و هدف زندگی به میان می‌آید، با اینکه شاهراه راستی را یکتا می‌داند، همگان را در انتخاب آزاد می‌گذارد. ولی سفارش می‌کند قبل از آنکه دیرشود و پشیمانی به بار آید حقیقت را بفهمند و در زندگانی خویش اشویی را به کار گیرند (۲- ۳۰). او بیان می‌کند آفرینشی که از روی هنجار و بر پایه راستی پدید آمده نمی‌تواند جز نیکی باشد و مثبت و منفی ذات هستی آنگاه که در اندیشه انسان نمود می‌یابند، خوبی و بدی را می‌آفرینند. یعنی این سنجش فکر ماست که آنچه به سود اجتماع است، نیک و خلاف آن را بد می‌پندارد (۳- ۳۰) و اینگونه زندگانی و نازدگانی به صورت بهترین اندیشه راستکاران (سپنتامینو = تفکر سازنده) و بدترین اندیشه دروغکاران (انگره مینو = اهریمن = تفکر نابود کننده) تجلی می‌یابد (۴- ۳۰). در اینجای کار است که این وخشور، شک و تردید در انتخاب کردن را مقدمه‌ای برای فریب خوردن و بیراهه رفتن می‌داند (۶- ۳۰). همگان را به هم‌زوری

فرامی‌خواند و در پی آن است تا پیروانش از کسانی باشند که این زندگانی را تازه گردانند و جهان را نو سازند(فرشوگرت) (۹-۳۰) .

سرود چهارم

زرتشت آموزش‌های خود را برای هر دو گروه راستکاران و دروغکاران بازگو می‌کند (۲-۳۱) و رستگاری را برای هر دو گروه می‌داند (۳-۳۱). اما بر این باور است که نیکوکار آن را به سادگی به دست می‌آورد و بد کردار پس از رنج و اندوه، چرا که وجدان و کردار هر کس سرنوشت او را رقم می‌زند(۲۰-۳۱). او به آزادی در بیان افکار اشاره دارد(۱۱-۳۱) ولی در این میان وظیفه انسان خردمند را این می‌داند که از خود بپرسد هریک از این دو شیوه اندیشیدن او را به کجا می‌رساند (۱۲-۳۱)! گاتها خدانشناسی را از خودشناسی می‌داند و می‌گوید هر کس باید نخست به درون خود بنگرد سپس با اندیشه‌ای روشن، چشمانی بینا و دلی پاک به جهان پیرامون خود نظر افکند، تا در پاسخ به پرسش‌هایش از رازهای هستی، آفریننده یکتا را با دیده دل دریابد (۸۹-۳۱).

سرود پنجم

فریبکاران و بداندیشانی که مردم را از زندگانی جاوید باز می‌دارند (۵-۳۲) در گاتها به نام دیوانی یاد می‌شوند (۱-۳۲) که تخمه کج‌اندیشی و دروغ را می‌گسترانند و از این راه به آوازه و شهرت رسیده، جاه و مقام پیدا می‌کنند (۳۲-۳۶). در این تفکر حتی آموزگاران بد، که سخنان دین را نادرست آموزش می‌دهند، نیز به این گروه نزدیکند (۹-۳۲) زیرا با ایجاد چند دستگی در میان مردم آبادی‌ها را ویران می‌سازند و کار به جایی می‌رسد که مردم بر درستکاران شمشیر می‌کشند(۱۰-۳۲). گاهان شاهان و بزرگانی که فریب دروغکاران را خورده‌اند و یا در دام حرص و طمع گرفتار گردیده‌اند را نیز نکوهش می‌کند(۱۴و۱۳-۳۲) و گناه جمشید شاه(فرزند ویونگهان) را خوارشمردن خدای دانا برای خشنود ساختن مردم می‌داند(۸-۳۲). در ادامه زرتشت نوشیدنی و خوراکی‌های مستی‌آور را ناپسند شمرده و آنها را تباه‌کننده عقل و هوش و برانگیزاننده افراد به کارهای ناپسند می‌داند و مراسم قربانی کردن حیوانات بی‌گناه را به دور از عقل ذکر می‌کند (۱۴-۳۲).

سرودهای ششم و هفتم

در این قسمت سخن از کسیست که رهبری مردم و راهنمایی اجتماع را برعهده دارد. به باور گاتها چنین کسی باید عدالت گستر باشد (۱-۳۳) و دروغکاران را از راه درست در کارهایشان ناکام ساخته، به آنها نیکی بیاموزد (۲-۳۳). زرتشت هدف و انگیزه خود از سرودن گاهان را زدودن بداندیشی و دروغ از خانه، شهر و انجمن جهانی (۴-۳۳) و تلاش برای راهنمایی مردم می‌داند (۶-۳۳). او خواستار است تا خداوند از راه الهام درونی (ندای سروش) به او رخ نماید (۵-۳۳) و به یاری‌اش بیاید تا این پیام به بیرون از انجمن مغان نیز برسد (۷-۳۳). از اهورامزدا خواهان است وظایفش را بر او آشکار سازد تا او بتواند در پرتو اندیشه نیک آنها را انجام دهد و نیایش و ستایش خدای دانا را از این راه به جای آورد (۸-۳۳). زرتشت در راه هدفش تن، روان و چکیده اندیشه خود را به پروردگارش پیشکش می‌کند (۱۴-۱۹ و ۳۳-۳۴) و از او نیرویی طلب می‌کند که بتواند در برابر آزار بدخواهان بایستد و ستم‌دیدگان راه اشویی (دریگوبیو = دیندار ستم‌دیده) را پشتیبان باشد (۵ و ۴-۳۴). همچنین اعتقاد دارد پاداش نیک اهورایی به کسانی داده می‌شود که در زندگی خود به جهان و جهانیان خدمت می‌کنند و آیین راستی را گسترش می‌دهند (۱۵ و ۱۴-۳۴).

سرود هشتم

اشوزرتشت بهترین نیکی و بخشایش را برای شخصی می‌داند که برای دیگران آسایش و آرامش پدید می‌آورد. او آرزو دارد زندگانی همگان دراز و سرشار از شادمانی و آسایش باشد (۲-۴۳) و به ویژه برای آموزگار راستینی که راه اشویی را به دیگران نشان می‌دهد آرزوی سعادت دارد (۳-۴۳). بازگشت نتیجه اعمال انسان را از روی هنجار هستی یا اشا می‌داند و این رابطه‌ای کاملاً منطقی است که راستی، نیکی را و کاستی، بدی را بازتاب داشته باشد (۵-۴۳). در چند بندی که با پروردگارش سخن می‌گوید از درون اندیشی یاد می‌کند. از منش نیکی که بسیاری از رازها را برایش آشکار کرده و به او آموخته است که باید دشمن واقعی دروغکار و یاور نیرومندی برای راستکار باشد (۸ و ۷-۳۴). او با اینکه می‌داند به کارستن این آموزش‌ها در میان مردم بسیار

دشوار است، با پروردگارش پیمان می‌بندد که در این راه از هیچ کوششی دریغ نکند (۱۱-۳۴). برای رسیدن به این هدف آرزو دارد که زندگانش در پرتو شهریارای خدایی بوده و عمری مفید داشته باشد (۱۳-۴۳).

سرود نهم

سرود نهم در واقع نمایانگر درون اندیشی اشوزرتشت است. پرسش‌هایی که در ذهن دارد و تنها پاسخگوی آنها را خدای دانا می‌داند. پژوهش در رموز آفرینش جهان (۳-۴۴)، یافتن پدیدآورنده آب، زمین و گیاه (۴-۴۴)، پی بردن به چگونگی تبدیل روز به شب (۵-۴۴) و . . . ذهن او را مشغول ساخته است. در پایان تنها به یاری خرد افزاینده (سپنتامینو) است که اهورامزدا یکتا را هستی بخش همه آنان درمی‌یابد (۷-۴۴). سپس به دنبال دین و آیینی است که برای جهانیان بهترین باشد و بتواند گفتار و کردار همگان را در پرتو آرامش درست گرداند (۱۰-۴۴). می‌خواهد بداند چگونه باید با گمراهان و فریبکاران رفتار نماید (۱۴ و ۱۳-۴۴) و در مقابل کردارهای ناشایست پیشوایان دروغینی چون «اوسینخش» بایستد (۲۰-۳۴).

سرود دهم

پس از دوران درون اندیشی و یافتن رازهای هستی نوبت به بیان آنها می‌رسد و اینجاست که زرتشت یافته‌هایش را برای کسانی که خواهان شنیدن هستند بازگو می‌کند و از آنها می‌خواهد حرف‌هایش را خوب گوش کنند تا دیگر آموزگاران فریبکار مردم را به گمراهی نکشانند (۱-۴۵). می‌گوید خداوند منش نیک را برای کوشش و تلاش آفریده و بینایی او بر همه چیز واقف است و نمی‌توان او را فریفت (۴-۴۵). سرانجام انتخاب نیکی و یا بدی را برای آنان می‌گوید و نوید می‌دهد که روان راستکار همواره توانا خواهد بود و پس از مرگ نیز در خانه سرود (گروثمان) جای دارد ولی روان دروغکار در رنج و پشیمانیست.

سرود یازدهم

زرتشت با بیان اندیشه‌هایش پیروانی به دست می‌آورد ولی مخالفان زیادتری پیدا می‌کند. نه تنها شاهان و بزرگان بلکه بسیاری از دوستان، خویشاوندان و اهل محل نیز به دشمنی‌اش برمی‌خیزند (۱-۴۶). او با یاران

اندک و دارایی کمی که دارد تنها پشتیبان خود را خدای توانا و یگانه سرمایه‌اش را منش نیک می‌داند (۲-۴۶). به خوبی آگاه است که باید با ستمکاران و کج اندیشان مقابله کند (۴-۴۶) اما می‌کوشد تا در میان دروغکاران دانایانی بیابد و با زبان خوش آنها را از گمراهی بازدارد (۵-۴۶). حتی از سرنوشت روان پس از مرگ در چنودپل (گذرگاه چگونه زیسته‌ای؟) سخن می‌گوید (۱۰ و ۱۱-۴۶) و از خداوند دانا برای پیروزی بر آنان یاری می‌طلبد (۷-۴۶: کم نا مزدا). ولی هیچ توفیقی نمی‌یابد و مجبور می‌شود زادگاه را ترک گوید و با یارانش کوچ کند. در سرزمین جدید با پادشاهی دانا چون «کی گشتاسب» و دلیرانی چون «فرشوشتر» و «جاماسب» روبرو می‌شود و فصل جدیدی در دفتر گسترش آیین بهی گشوده می‌شود و دین زرتشت دوباره پایه و جانمایه می‌گیرد.

سپتند گات

این پیام آور آریایی برتری مردمان را تنها در راست بودنشان می‌داند و دروغگویان را حتی اگر از دارندگان زور و زر باشند در برابر بینوایان پیرو راستی، خوار می‌شمارد (۴-۴۷). سپنتا مینو (خرد افزاینده) را در وجود خداوند سازنده جهان آفرینش می‌داند و سفارش می‌کند این گوهر را در وجود خویش گسترش دهیم زیرا آرامش و شادمانی به بار می‌آورد (۶ و ۳ و ۱-۴۷). بر دوری از خشم تا کید می‌کند، آن را تباه کننده زندگی و کسانیکه در پی منش نیک هستند را سودرسانان جامعه می‌داند (۴۸). زرتشت از دست آموزگاران بداندیشی چون «بندوه» که با آموزش‌های دروغینش به مخالفت با او برخاسته و با راستی مبارزه می‌کند، گله‌مند است (۴۹). خداوند را یگانه یاری‌رسان خویش درمی‌یابد (۱-۵۰) و با او پیمان می‌بندد هرکاری که آغاز می‌کند برای پیشرفت و آبادانی جهان باشد (۱۱-۵۰: «هیثیا ورشتام . . .» که در هنگام کشتی نو کردن می‌خوانیم).

وهوخشتر گات

زرتشت بر کسی که پیام اندیشه برانگیز گاتها را به جویندگان دانش می‌رساند درود می‌فرستد (۸-۵۱). پایه‌های شکل‌گیری انجمن مغان که در آن بخردان و فرزندان با هم مشورت کنند و دولت را به شادی و راستی

رهنمون باشند، پی‌ریزی می‌کند و برای «کی گشتاسب»، «فرشوشتر»، «جاماسب» و «میدیوماه» که یاوران او بودند آرزوی سعادت دارد (۵۱).

وهیشتوایش گات

سرانجام زمانی فرا می‌رسد که بهترین آرزوی زرتشت برآورده می‌شود و حتی کسانی که با او به دشمنی برخاسته بودند نیز گفتار و کردار دین بهی را می‌آموزند (۱-۵۳). زرتشت که رسالت خود را به پایان رسانیده فقط یک کار ناتمام دیگر دارد و آن هم شوهر دادن کوچکترین دخترش «پورچیستا» است. از میان دانایان زمان، «جاماسب» را به دخترش پیشنهاد می‌نماید ولی هیچ تحمیلی در کار نیست و به او آزادی انتخاب می‌دهد (۳و۴-۵۳). در اینجا است که نه تنها به دخترش بلکه به همه نوعروسان و تازه دامادان پند می‌دهد که در زندگی در انجام کارهای نیک از یکدیگر سبقت بگیرند و این چنین به همگان در گسترش اشویی نصیحت و وصیت می‌کند (۵-۵۳).

تاریخچه آدریان تهران

میترا مراد پور



از پاییز سال ۸۵، در کنار کلاس‌های دانشنامه دینی انجمن موبدان، گروه‌هایی آغاز به فعالیت نمود که وظیفه آن‌ها پژوهش و تحقیق در زمینه کتاب، هنر و موسیقی زرتشتی، مکان‌های مقدس، آیین‌ها و آداب و رسوم و تاریخ معاصر زرتشتیان می‌باشد. نوشتاری که در زیر می‌آید دستاورد گروه پژوهش بر روی مکان‌های مقدس زرتشتیان است.

آیین نهادن سنگ بنیاد

سنگ بنای آدریان تهران در روز اشتاد ایزد و امرداد ماه ۱۲۹۳ خورشیدی برابر با روز اورمزد و فروردین ماه ۱۲۸۳ باستانی برابر با ۱۳ اوت ۱۹۱۳ میلادی گذاشته شد و با کمک پولی پارسیان هند و زرتشتیان تهران در آذرگان ۱۲۹۶ خورشیدی برابر با خرداد ماه ۱۲۸۶ باستانی پایان یافت و روز اشتاد ایزد گشایش یافت .

ارباب کیخسرو در یادداشت‌های خود آورده: « به آن اندیشه افتادم که برای جماعت عبادتگاهی لازم است ، زیرا در تهران برای جماعت (در حدود ۵۰۰ نفر که بیشتر به کار بازرگانی و کشاورزی مشغول بودند) تا آن تاریخ معبدی نبود. لهذا چون در این موقع مرحوم بهرامجی بیکاچی^۱ یکی از پارسیان جوانمرد که کارش سیاحت بود به تهران آمده بود مطلب را با او در میان نهادم ، مشارالیه وعده مساعدت داد. شرحی نوشته به او دادم و به بمبئی رفت و اقدام کرد. خوشبختانه عده ای از پارسیان مبلغی برای بنیان آدریان سرخط رفته بودند چه برای ساختمان و چه برای اندوخته نگهداری که متدرجاً برسانند».

«ساخت آدریان بر روی اراضی انجمن شروع و سنگ بنای آدریان بدست آقای رضا قلیخان هدایت (نیرالملک) وزیر معارف وقت گذارده شد. کار ساختمان آدریان به دشواری دچار شد. اشکال ساختمان آدریان این که بعضی از اشخاص مغرض در جراید بمبئی بر ضد زرتشتیان تهران مقالاتی نوشتند که این‌ها غالباً بیدین و فلان اند و آدریان لازم ندارند و از سوی انجمن زرتشتیان تهران جواب‌هایی دندان‌شکن داده شد معهذا بعضی از صاحبان خیر که جنبه کهنه‌پرستی و تعصبات داشتند جلو اعانه خود را گرفته دیگر پول نرسید و عمارت بی‌سقف و ناتمام ماند. چون کار بدین منوال پیش آمد از زرتشتیان ایران استعانت شد و زرتشتیان هرجا از تهران و یزد و کرمان و شیراز و کاشان بقدر خود کمک کردند و به خیر خوبی ساختمان آدریان به پایان رسید و رسماً در تاریخ ۱۲۹۶ خورشیدی گشایش یافت .»

^۱ بهرامجی بیکاچی یکی از پارسیانی است که خدماتی انجام داده و دبیرستان فیروزبهرام نیز از دهش او بنامگانه فرزندش بنیان گذارده شد ، بعلاوه یک قطعه باغ و زمین در اوسون دربند وقف آدریان تهران نمود که درآمد آن بمصرف هزینه های جاری سوخت و روشنایی برسد.



«اینجا نباید فراموش کنم متشکرم ، همین که از آقای میرزا مهربان مهر خواهش کردم پذیرفت و برای جمع‌آوری اعانه به جنوب ایران شتافت و برخورداری حاصل نمود . از سوی دیگر چون در آن اوان به فاصله چند ماه سرور خانم عیال مرحوم میرزا جمشید مهربان کرمانی و رستم برادرش و یک دختر کوچک از میرزا جمشید به جهان باقی شتافتند به میرزا جمشید تکلیف کردم آثار خیری باقی بگذارد آن روانشاد پذیرفت و به اختیار من گذاشت و در طرف مشرق و مغرب حیاط آدریان اطاق هایی برای پذیرایی و امور خیریه از پول آن مرحوم ساخته شد.»

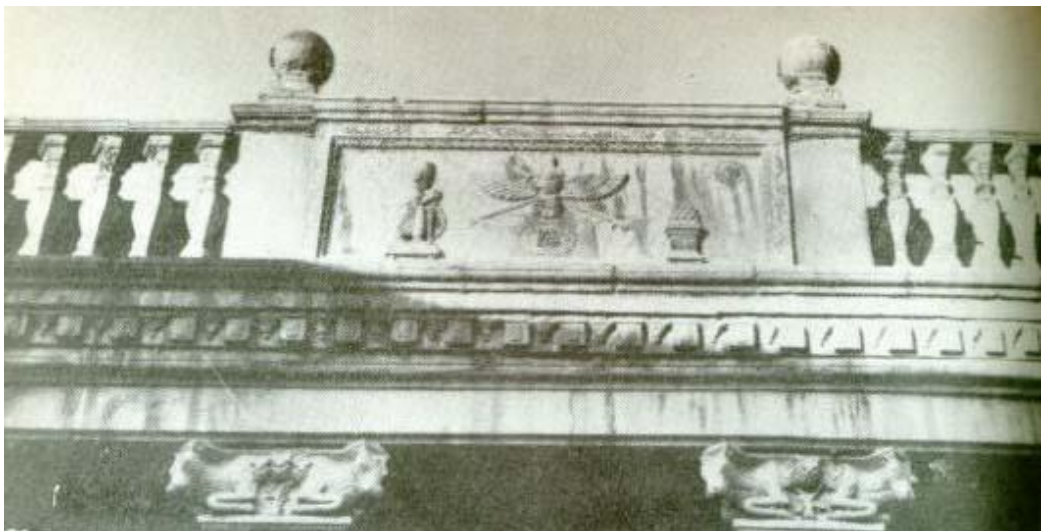


در دفتر وقایع انجمن درباره نهادن سنگ بنای آدریان که همزمان با نهادن سنگ بنای دبستان ایرج بوده چنین آمده: « بنا به دعوتی که از طرف ریاست انجمن آقای آقا میرزا کیخسرو شده بود جمعی کثیر از آقایان و خوانین زرتشتیان و میستراردشیرجی و میستر بهرامجی و میستر شاهپور جی با آقای رضا قلیخان معاون وزارت معارف و آقای مجدالسلطنه نماینده وزارت امور خارجه و آقای ذکاء الملک و آقای حکیم الملک و آقای حاج سید نصرالله و جمعی دیگر از آقایان معارف پرور در محوطه اراضی قلمستان مختصی انجمن برای بناگذاری آدریان که از وجه عمومی زردشتیان بمبئی ساخته می شود دعوت نموده و سه ساعت و نیم قبل از غروب نخست سه نفر پسر و سه نفر دختر به شگون این بناهای خیر در همان نقطه سدره پوشانی شدند و بعد دو ساعت قبل از غروب مجلس سنگ بنا گذاری منعقد گردید و نخست رئیس انجمن خطابه در فواید تعاون و اشاره به خیرات و مبرات و مختصر تاریخ پارسیان هندوستان و مقصود از اجتماع امروز و سنگ بناگذاری قرائت نمود و بعد جناب آقای حاجی نصرالله و میستر بهرامجی و آقای معاون وزارت معارف در همان موضوع خطابه ها قرائت نمودند و به هیئت اجتماعی حرکت کرده در جائیکه می بایست سنگ های بنا گذارده شود گرد آمده، نخست سنگ بنای آدریان بدست آقای

مجدالسلطنه نماینده وزارت امور خارجه و بعد سنگ بنای مدرسه دخترانه در محل بنا گذارده و عکس برداشته و به مبارکی غروب جلسه ختم شد.»

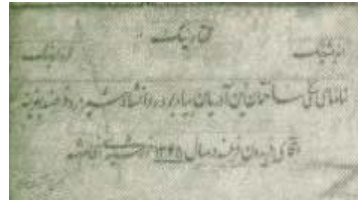
صورت محکوکات داخل سنگ‌های بنا که روی مس نقش شده بدین‌گونه است : نسبت به آدریان به زبان فارسی و انگلیسی و گجراتی نقش شده است .

بنویم آموزش فره وهران سراسر زرتشتیان از دهش زرتشتیان همه جای جهان بشوه نیایش شت زرتشت اسپنتمان بنام خجسته اشان پایه این اشو آدریان برای بندگی اهورامزدا در بنگاه ایشان در تهران در روز اورمزد فروردینماه ۱۲۸۳ یزدگردی نهاده شد.

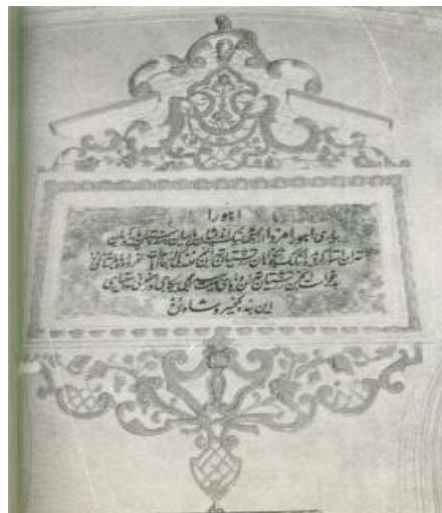


سنگ نوشته های آدریان

دربالای سردر ورودی آدریان سنگ نوشته‌ای است که روی آن نوشته شده است «خشنوتره اهوره مزدا».



نمای ساختمانی آدریان در سال ۱۳۴۵ با سنگ ساخته شده و در سنگ نوشته آن آمده: «نماهای سنگی ساختمان این آدریان بیادبود روانشاد شیرمرد فرهمند بهزینه آقای فریدون فرهمند در سال ۱۳۴۵ خورشیدی انجام شد. انجمن زرتشتیان تهران»

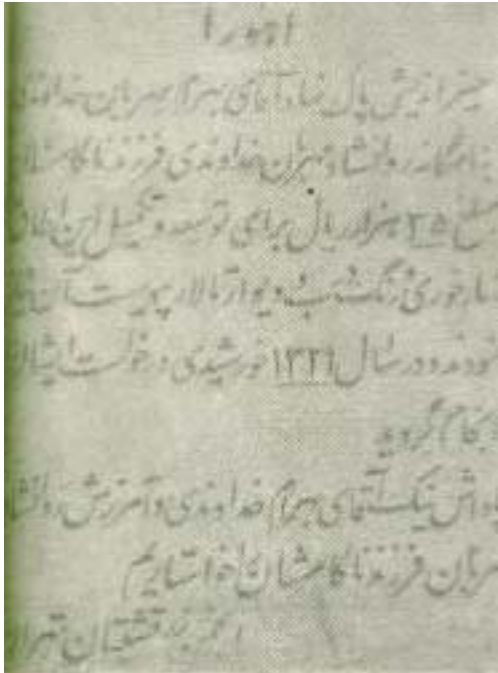


درون تالار نیایشگاه سنگ‌نوشته ای است که بر روی آن آمده: «بیاری اهورامزدا از دهش نیک اندیشان پارسیان هندوستان پایه آدریان تهران استوار گردید و از کمک نیکخواهان و زرتشتیان بفرخندگی انجام یافت. خرداد ماه باستانی ۱۲۸۶ بدرخواست انجمن زرتشتیان تهران و یاوری سیت بهرامجی بیکاجی و رهنمونی و دستیاری این بنده کیخسرو شاه رخ»



در ساختمان باختری (غربی) تالار بزرگی برای مراسم دینی ساخته شد که در سنگ‌نوشته آن می‌خوانیم: «اهورا، فرخ نهاد میرزا جمشید مهربان کرمانی این ساختمان باختر سوی آدریان را بنامگانه بهشتی روان جفت خویش سرور رستم برپاداشته و برای

کارهای آئینی زردشتیان بانجمن زردشتیان تهران واگذار نمود روان سرور رستم شاد خانه میرزا جمشید آباد باد. فروردین ماه ۱۲۸۶ باستانی. برهنمونی و دستیاری این بنده انجام یافت. کیخسرو شاه‌رخ»



در اتاق کنار این تالار که بالای پلکان قرار دارد و برای کارهای دینی ساخته شده است، سنگ‌نوشته ای دیده می‌شود که بر روی آن نوشته شده است: « خیراندیش پاک نهاد آقای بهرام مهربان خداندی بنامگانه روانشاد مهربان خداندی فرزند ناکامشان مبلغ ۳۵ هزار ریال برای توسعه و تکمیل این اطاق نهارخوری و رنگ درب و دیوار تالار پیوست آن نیاز نمودند و در سال ۱۳۲۹ خورشیدی درخواست ایشان انجام گردید . پاداش نیک آقای بهرام خداندی و آمرزش روانشاد مهربان فرزند ناکامشان را خواستاریم . انجمن زرتشتیان تهران »

در تالار ساختمان خاوری (شرقی) نیز سنگ‌نوشته ای وجود دارد که از آن برداشت می‌شود که در فروردین ۱۲۹۶ میرزا جمشید مهربان کرمانی به یادبود میرزا رستم مهربان که در جوانی ناکام شده ، این تالار را برای کارهای آیینی زرتشتیان واگذار نموده است.

آذر آدریان



روانشاد موبد رشید حکیم

پیک انجمن موبدان (رویه ۴۰)

پس از پایان یافتن ساختمان آدریان موبد اردشیر رستم رستمی و موبد بهرام رشید شید و موبد هرمزدیار بهرام سروش مامور شدند که آذر بزرگ را از یزد به تهران بیاورند.

نخست موبدان نامبرده آیین هم‌پیوندشدن را با زمزمه اردیبهشت یشت و آتش نیایش انجام دادند و آذر از آتش وره‌رام یزد با آیین ویژه به سوی تهران آورده شد.

مجموع آذر بوسیله یکی از موبدان که دو نفر دیگر او را همراهی می‌کردند سوار بر قاطر ساعت ۹ بامداد از دروازه یزد به سوی تهران حرکت داده شد.

چون نظر آن بوده است که روز آذر و آذرماه آذر پاک به آدریان تهران برسد بنابراین برنامه برای پایه انجام شده است و قافله پس از بیست و پنج روز به دروازه شاه عبدالعظیم تهران می‌رسد.

در هر منزل موبدان به نیایش پرداخته و آتش را از چوب «تاغ» که در راه گرد می‌آوردند، تغذیه می‌کردند و موبدی که آتشدان را در دست داشته، جای خود را به دیگری می‌داده است. موبدان نیز غذای «پستا»^۲ نمی‌خوردند.

هنگامی که موبدان با آذر بزرگ به شاه عبدالعظیم می‌رسند با پیشواز سرنشین و هموندان وقت انجمن زرتشتیان تهران و گروهی از زرتشتیان روبرو می‌شوند. پس از انجام آیین‌های دیدار گروهی به تهران روانه می‌شوند و درست روز آذر و آذر ماه آتش را به آدریان تهران می‌رسانند.

به انگیزه رسیدن آذر بزرگ به تهران و تابیدن آذر ایزدی در دل زرتشتیان تهران آیین جشن خوانی و نیایش برگزار شده و همگان به شادی می‌پردازند.

سر انجام موبد اردشیر و موبد بهرام در تهران می‌مانند و آیین‌های دینی در آدریان به آنان واگذار می‌شود و موبد هرمزدیار به یزد برمی‌گردد.

اینجا بجاست نامی از موبدانی که از آغاز در آدریان تهران به کارهای بایسته دینی پرداخته‌اند به پاس خدماتشان برده شود:

- روانشاد موبد اردشیر موبد رستم رستمی
- روانشاد موبد بهرام موبد رشید شید
- روانشاد موبد سیاوخش موبد مهرگان فروهر
- روانشاد موبد شاه فریدون موبد کیخسرو موبد سام وحیدی

^۲ خوراک پستا غذایی است که بدست دیگران پخته می‌شود و یا گوشتی که بدست دیگران بریده شده و موبدان نباید بخورند.

- روانشاد موبد نوشیروان موبد نامدار حکیم
- روانشاد موبد فریدون موبد فرخ فرخ زاده
- روانشاد موبد رستم موبد خدابخش خدابخشی
- روانشاد موبد رشید موبد نامدار حکیم
- روانشاد موبد آدریاد موبد خداداد کاویانی
- روانشاد موبد خسرو موبد جمشید خسرو موبد
- روانشاد موبد رستم موبد ماهیار کوشکی
- روانشاد موبد پریرز موبد هرمز دیار خوشبختی
- روانشاد موبد خدابخش موبد فریدون هنگامی

روانشان شاد و مینو جایگاهشان باد.



روانشاد موبد اردشیر (سمت راست) - روانشاد موبد بهرام (سمت چپ) تکیه به ستون درمیان شاگردان

مدرسه زرتشتیان دیده می شوند.

زندگینامه موبدان

روانشاد موبد اردشیر موبد رستم رستمی

روانشاد موبد اردشیر در حدود سال ۱۲۴۷ در یزد در خانواده‌ای دیندار پا به جهان نهاد و پس از طی تحصیلات زمان خود و فرا گرفتن اصول کار موبدی در نزد موبدان راهی هندوستان شد و به تکمیل اطلاعات دینی پرداخت و پس از بازگشت در آتش ورهرام یزد سمت ارشدیت داشته و پس از آنکه آدریان تهران ساخته و آماده شد یکی از سه نفر موبدی بود که آذر بزرگ را به تهران آوردند و در تهران به کار موبدی پرداخت و کارهای دینی خارج از آدریان به او محول گردید.

دروس اوستا و دینی مدارس دخترانه زرتشتیان نیز به وی محول شد. مردی خوشخو و مورد احترام جماعت بود و همه او را به نیکی یاد می‌کنند.

وی در ۶۵ سالگی روز آبان و بهمن ماه ۱۳۱۱ خورشیدی جهان را بدرود گفت. از وی ۳ دختر و ۲ پسر برومند به یادگار ماند. روانش شاد باد.

روانشاد موبد بهرام موبد رشید شید



روانشاد موبد بهرام در حدود سال ۱۲۶۸ خورشیدی در یزد در خانواده‌ای دین‌پرور دیده به جهان گشود و پس از گذراندن تحصیلات زمان خود و فراگرفتن اصول کار موبدی در نزد موبدان و طی مراحل آن به جرگه موبدان وارد و یکی از سه نفر موبدی بود که آذر بزرگ را در سال ۱۲۹۷ خورشیدی به تهران آوردند و در تهران به کار آذربانی پرداخته و در هنگام فراغت پاسخگوی پرش‌های دینی بود. در میان افراد جماعت و دیگران ارجی فراوان داشت.

تدریس اوستا در کلاس‌های دینی مدارس پسرانه و بعداً دخترانه بعهدہ او گذارده شده بود. در ترویج روز و ماه جدید که با ماه و سال خورشیدی برابر بود کوشش فراوان نمود.

نخستین سردفتر زناشویی زرتشتیان تهران بود و متجاوز از سی سال به کارهای موبدی اشتغال داشت.

وی در ۲۱ آذر ۱۳۳۱ جهان را بدرود گفت. میوه زندگیش پنج فرزند برومند است. روانش شاد باد.

روانشاد موبد سیاوخش موبد مهرگان موبد اورمزدیار سروش فروهر



روانشاد موبد سیاوخش در سال ۱۲۶۲ در یزد دیده به جهان گشود و پس از طی تحصیلات زمان و فراگرفتن اصول دینی از پدر دانشمند و جد دین‌پژوه خود و گذراندن مراحل موبدی بکار موبدی پرداخته و مدتی در بمبئی به این کار ادامه داده است.

پس از بازگشت به ایران در یزد با دختر موبد سروش اورمزدیار بنام مروارید پیمان زناشویی بسته و سپس در آدریان تهران به خدمت

موبدی دعوت و با روانشاد موبد بهرام شید هم‌دوره بوده است. تدریس اوستا را در دبستان جمشید جم عهده‌دار و پس از چهار سال در سی و پنج سالگی چون زنش درمی‌گذرد با سه فرزند پسر خود به یزد بازمی‌گردد و کار موبدی را در آتش وره‌رام یزد ادامه می‌دهد و در هشتاد و پنج سالگی در سال ۱۳۴۷ جهان را بدرود می‌گوید. وی اهل کتاب و جستجو و مانند پدران خود بسیار پاک و باایمان بوده است. با استفاده از کتاب‌های کتابخانه معروف دستور مهرگان از فلسفه دین زرتشت و معانی اوستا اطلاعات کافی داشته است. پسرانش هر یک به کارهایی مشغول و موبد مهربان فروهر در یزد نیز به شغل پدری مشغول شد. روانش شاد باد.

روانشاد موبد شاه فریدون موبد کیخسرو موبد سام وحیدی



روانشاد موبد شاه فریدون وحیدی که بنام « موبد شاه» معروف بود در سال ۱۲۷۳ خورشیدی در یزد چشم به جهان گشود و تحصیلات خود را در زادگاه خود به انجام رساند و پس از نوزاد شدن، یکسال و نیم در یزد به موبدی پرداخت و سپس بار سفر بسته و بسوی هندوستان روانه شد.

در هند با دختری فیروزه نام پیوند زناشویی بست که ثمره آن چهار پسر و یک دختر بود. پس از چندی راهی تهران شد و مدت دو سال نیز به عنوان موبد در جشن‌ها و آیین‌های دینی شرکت می‌کرد و ضمن آن در دبیرستان انوشیروان دادگر به تدریس اوستا و تعلیمات دینی می‌پرداخت.

در زندگانش چه در شغل موبدی و چه در کلاس‌ها مردی آرام، باگذشت، سخاوتمند و صریح بود و مهمان را بسیار دوست داشت.

در ۶۰ سالگی روز رام ایزد و خرداد ماه ۱۳۳۳ جهان را بدرود گفت. روانش شاد باد.

روانشاد موبد نوشیروان موبد نامدار حکیم



روانشاد موبد انوشیروان در سال ۱۲۶۷ خورشیدی در یزد چشم به جهان گشود و تحصیلات زمان را تا کلاس نهم در زادگاه خود ادامه داد.

ساختمان گهنبارخانه و دبستان دینیاری یزد را تا هنگام تحویل بودجه روانشاد موبد رستم موبد خسرو صداقت با کمال کوشش و نهایت درستی انجام داد.

در هفده سالگی پس از گذراندن دوره موبدی و موفقیت در امتحانات مربوطه چند سالی در یزد به کار موبدی سرگرم بود و در بیست و یک سالگی به کار بازرگانی بین یزد و شیراز و قمشه پرداخت و در سی و پنج سالگی راهی بمبئی شد و هفت سال به کار موبدی اشتغال داشت و در همین زمان بود که کتاب اوستا را با قطع کوچک چاپ کرد.

در بازگشت به ایران مدتی به کارهای مختلف پرداخت و در سال ۱۳۱۹ خورشیدی طبق قراردادی به مدت سه سال در آدریان تهران به کار موبدی ادامه داد.

در سال ۱۳۲۱ در پنجاه و چهار سالگی در تهران چشم از جهان فروبست و در آرامگاه کاخ فیروزه به خاک سپرده شد.

یادگار زندگی خانوادگی وی سه دختر و دو پسر می‌باشد. روانش شاد باد.

روانشاد موبد فریدون فرخ زاده



روانشاد موبد فریدون فرخ‌زاده در سال ۱۲۷۰ شمسی در خانواده دینی در شهر یزد متولد شد. در سن ۱۳ سالگی در یزد پس از گذراندن امتحانات یشت و اوستا در کلاس دینی دستور نامدار و دستور تیرانداز موفق به دریافت درجه نوزادی گردید و از همین هنگام به مدت یکسال برای والدین خود به کار موبدی مشغول و موبد نامیده شد. سپس در سال ۱۲۸۵ به تهران آمد و به مدت ۱۰ سال تمام بعنوان منشی تجاری در بازار در تجارتخانه آقای پولاد نوشیروان به کار مشغول و مدت ۳ سال از تاریخ ۱۲۹۵ الی ۱۲۹۸

همین شغل را در تجارتخانه آقای رستم شاه جهان در یزد و تهران دنبال نمود. پس از اندوختن تجربیاتی در این مدت، راهی مازندران شد و از تاریخ ۱۲۸۹ الی ۱۳۰۴ شخصا به کار تجارت پارچه و برنج مشغول گردید ولی از آنجاییکه علاقه فراوان به مسائل دینی داشت مجدداً در این سال به یزد مراجعت و پس از ازدواج به هندوستان که در آن زمان محل مناسبی برای کسب معلومات اوستایی و شغل موبدی بود رفت. سپس در سال ۱۳۲۰ به تهران آمد و در آدریان برای خدمت به اجتماع زرتشتی شغل شریف موبدی را دنبال نمود.

موبد فرخ‌زاده دارای سه فرزند دو پسر و یک دختر می‌باشد.

در روز خورداد از ماه خورداد سال ۱۳۶۴ چشم از جهان فروبست. روانش شاد باد.

روانشاد موبد رستم خدابخشی

روانشاد موبد رستم خدابخشی در حدود سال ۱۲۷۴ در شهر یزد در خانواده پدر در پدر موبد تولد یافت و پس از نوزوت شدن در چهارده سالگی به گروه موبدان پیوسته و چند سالی به کار موبدی در یزد و در بمبئی پرداخت.



در بیست سالگی نزدیک به پایان جنگ بین الملل به منظور تحصیلات عالیه مذهبی از بمبئی با کشتی رهسپار آمریکا شد و با دنیایی ذوق و شوق به دنیای جدید قدم گذارد و چون تحصیلات عالیه مستلزم داشتن گواهینامه‌های علمی بوده است و در آن زمان در یزد به ویژه میان موبدان زیاد مرسوم نبوده است ، ناچار وارد ارتش آمریکا شد و پس از یکسال و بعد از صلح پایدار از خدمت ارتش مرخص و به اخذ گواهینامه نایل شد. پس از سه سال اقامت به فرانسه و ایتالیا مسافرت و به بمبئی بازمی‌گردد و در آنجا به کار موبدی می‌پردازد و از محضر شاگردان پروفیسور ویلیامز جکسون مانند دستور جی دکتر نوشیروان دالا و ژال دستور دکتر پآوری پارسی کسب فیض می‌نماید.

پس از هفت سال به یزد بازمی‌گردد و تشکیل خانواده می‌دهد و دوباره به بمبئی برمی‌گردد و در درب مهر «دادا ست» به کار موبدی می‌پردازد.

پس از چند سال به تهران آمده و در آذربایجان تهران مدت سیزده سال به خدمت موبدی ادامه می‌دهد که چون برف پیری بر رویش می‌نشیند چند سال قبل از کار کناره‌گیری می‌نماید. از ایشان یک پسر به یادگار مانده است.

موبد رستم خدابخشی یک کتاب اوستا چاپ کرده که آرزوی همیشگی‌اش برآورده شده است و در روز اورمزد وشهریور ماه سال ۱۳۵۸ جهان را بدرود گفت. روانش شاد باد.



روانشاد موبد خسرو موبد جمشید خسرو موبد

روانشاد موبد خسرو در سال ۱۲۷۶ خورشیدی در یزد دیده به جهان گشود و تحصیلات مقدماتی را در مدرسه کیخسروی یزد گذراند و نزد دستور مهرگان سیاوش نوزاد گردید و در بیست سالگی به هندوستان مسافرت کرده و مدت دوازده سال در درب مهر «داداست» بکار موبدی پرداخته است.

پس از آن به یزد بازگشت نمود و در آتش وره‌رام «همابائی پی تیت» به مدت ۱۲ سال به خدمت اشتغال داشته است.

از سال ۱۳۳۶ در آدریان تهران کار موبدی را ادامه داده‌اند.

از ایشان هفت فرزند به یادگار مانده است.

موبد خسرو در روز شهریور از ماه شهریور سال ۱۳۶۶ جهان را بدرود گفت. روانش شاد باد.

روانشاد موبد رستم موبد ماهیار کوشکی



روانشاد موبد رستم کوشکی در سال ۱۲۷۶ خورشیدی در یزد متولد گشته و در شانزده سالگی در حضور دستور نامدار دستور شهریار آذرگشسب نوزاد گشته و پس از یکسال به بمبئی مسافرت و در درب مهر «داداست» به کار موبدی پرداخته است. در یکی از مسافرت‌هایی که به ایران بازگشته در ۲۸ سالگی تشکیل خانواده داد و تا سال ۱۳۳۸ بکار خود در بمبئی ادامه داد و بعد از آن در آدریان تهران به شغل پرافتخار موبدی پرداخت.

میوه زندگی خانوادگی‌اش پنج فرزند و به جهان به چشم خوش‌بینی می‌نگرد.

موبد رستم کوشکی در روز خورداد از ماه بهمن سال ۱۳۵۹ چشم از جهان فرو بست. روانش شاد باد.

روانشاد موبد پریبرز موبد هرمزدیار خوشبختی



روانشاد موبد پریبرز در سال ۱۳۰۳ خورشیدی در یزد تولد یافته و پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی و دبیرستان کیخسروی یزد به بمبئی مسافرت نمود و پس از نوزاد شدن به مدت دو سال در درب مهر «داداست» بکار موبدی اشتغال ورزیده و در سال ۱۳۳۰ به تهران بازگشته و بالاخره از سال ۱۳۴۶ در آدریان تهران به خدمت موبدی پرداخت.

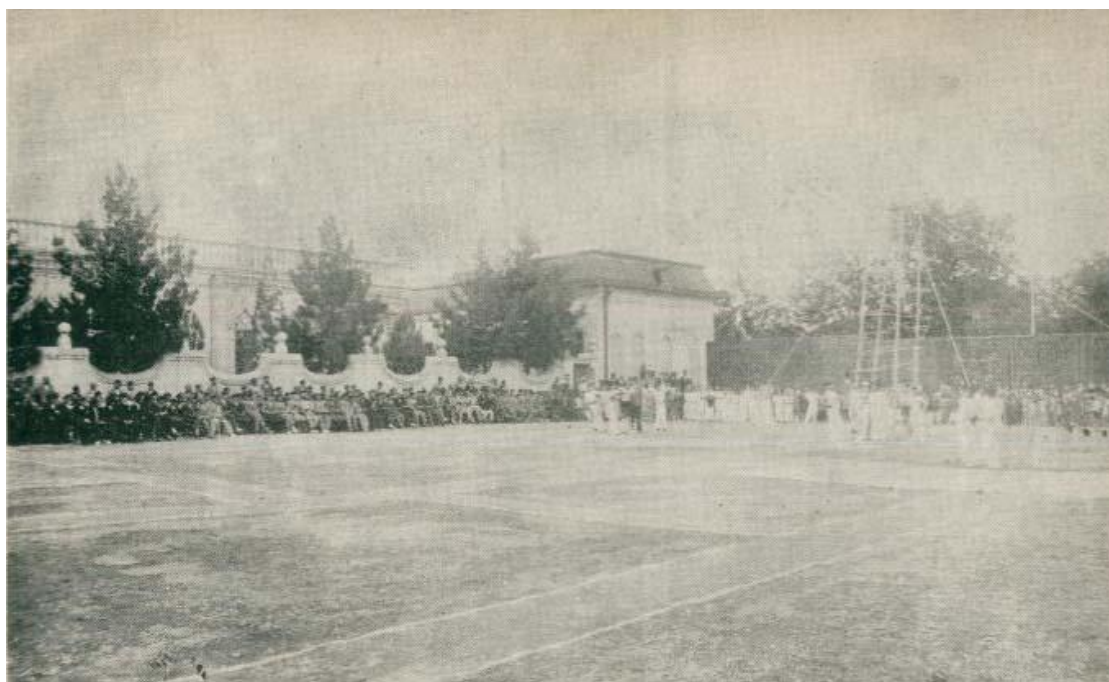
از ایشان یک دختر به یادگار مانده است.

روانشاد موبد خدابخش موبد فریدون هنگامی



روانشاد موبد خدابخش در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در یزد تولد یافته و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در هفده سالگی به بمبئی مسافرت نموده و چند سالی به فرا گرفتن اصول دینی می‌پردازد و بالاخره در ۲۴ سالگی نوزاد می‌شود و در درب مهر «داداست» بمبئی

به کار موبدی می‌پردازد و پس از سی سال به ایران آمد و مدت چهار سال در معبد رستم باغ به خدمت اشتغال ورزید و از مهر ماه ۱۳۵۲ در آدریان تهران مشغول به کار شد و به مدت سی سال در آنجا به خدمت پرداخت. یادگار زندگی او یک دختر است. سرانجام در سال ۱۳۸۴ جهان را بدرود گفت. روانش شاد باد.



نمای آدریان تهران از ضلع جنوبی (عکس در هنگام مراسم سنگ بنا نهادن دبیرستان فیروزبهرام)

منابع :

- ۱- مقاله آدریان تهران / نوشته و تنظیم رستم پارکی - تهران : مهنامه زرتشتیان شماره ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ - فروردین ۱۳۵۳ -
- ۲- یادداشت‌های کیخسرو شاهرخ / به کوشش و زیرنویس سرتیپ دکتر جهانگیر اشیدری - تهران : اسفند ماه ۲۵۳۵ -

تهران پارس

مهناز فیروزمند

یکی از عنوان‌های درسی این دوره از کلاس‌های دانشنامه دینی انجمن موبدان، «تاریخ معاصر زرتشتیان» است که یکی از دستاوردهای آن، پژوهش‌های ارزشمندی در این زمینه بوده است. بر آنیم تا نوشتارهای برتر را از طریق پیک انجمن موبدان در خدمت هم‌کیشان دانش‌دوست و گرامی قرار دهیم. باشد تا بهره آن به همه به‌دینان برسد.

انجمن موبدان تهران

منطقه تهران پارس که اکنون جزء چند ناحیه‌ی زرتشتی‌نشین شهر تهران به شمار می‌رود، منطقه‌ای است در محدوده‌ی جغرافیایی شرق تهران که محصور به نواحی زیر می‌باشد:

از شمال به گردنه‌ی قوچک

از جنوب به جاده‌ی دماوند (حدود ایستگاه خاقانی لب رودخانه)

از شرق به جوادیه و خاک سفید

از غرب به نارمک و سازمان چای و قنات کوثر

منطقه‌ای که در زمان رضاشاه پهلوی به یکی از سران ایل بختیار (امیر مفخم بختیار پدر ابوالقاسم بختیار) داده شده تا در تهران ساکن شود و به این شیوه بر شورش و یاغیگری ایلات و عشایر بختیاری غلبه شود. تهرانپارس مشتمل بر سه قریه‌ی مهدی‌آباد، حسین‌آباد و مجیدآباد است. شکل‌گیری تهرانپارس در قالب شهر، از آنجایی آغاز می‌شود که ابوالقاسم بختیار با درج آگهی در روزنامه قصد فروش آن را اعلام می‌کند. در آن زمان هر رمز تیرانداز آرش برای خرید این منطقه عازم تهران می‌شود.

هرمز آرش فرزند تیرانداز و زاده‌ی روستای خیرآباد یزد است که پس از پشت سر گذاشتن دوران نوجوانی بنا به گفته‌ی خود با سرمایه‌ای کمتر از ۵۰ تومان عازم هندوستان می‌شود و فعالیت کاری خود را در آنجا شروع کرده و با پری‌بانو آگاهی آرش فرزند گشتاسب معروف به گشتاسب یخ‌واله (اشاره به فردی که کارخانه‌ی یخ داشته) ازدواج می‌کند. حاصل این ازدواج سه دختر به نام‌های زرین، دلنواز و یاسمین و دو پسر به نام‌های روئین‌تن و تهمتن است.

با مراجعه‌ی هرمز آرش به باغ مجیدآباد واقع در یکی از قرای تهرانپارس و درخواست خرید آن، ابوالقاسم بختیار با رضایت از جسارت هرمز آرش در طرح این درخواست، املاک را که بر اساس نقشه‌برداری انجام شده، ۳۶ میلیون مترمربع بوده است، طی دو مرحله به نام هرمز آرش و پری آگاهی آرش (هر کدام سه دانگ) انتقال می‌دهد. گفته شده است که پهلودیان می‌خواسته‌اند این املاک را از هرمز آرش به چند برابر قیمت خریداری کنند که موفق نشده‌اند.

پس از خریداری زمین‌ها نوبت به آبادانی و شهرسازی می‌رسد که مقرر شده این کار توسط " وفادار تفتی " انجام شود و هرمز آرش و همسرش وکالت تام به ارباب وفادار تفتی می‌دهند. ارباب وفادار تفتی صاحب تجارت‌خانه‌ی "شرکت تضامنی تفتی و برادران" بوده که شعبه‌ی تهران آن در سرای امید فعالیت داشته و شعبه‌ای هم در خیابان شاه (قیام فعلی) یزد بوده است.

او از گروه مهندسين برای نقشه‌برداری و تسطیح و خیابان‌بندی، جدول‌کشی، لوله‌کشی، ساختن منابع آب، احداث کارخانه‌ی برق و ... کمک می‌گیرد که آقایان مهندس ناصرزاده و مهندس پورتیمور از اعضای آن گروه بودند. مهندس ناصرزاده جزو نقشه‌برداران بوده که به پاس خدمات وی خیابانی که هم‌اکنون رسالت نام دارد، "ناصر" نامگذاری شده بود.

در آبادانی تهرانپارس، مراکز عام‌المنفعه نیز پیش‌بینی شده بود که می‌توان به درمانگاه روئین‌تن آرش (به‌نامگانه‌ی فرزند ناکام ارباب هرمز آرش که در اثر سانحه‌ای در باغ مجیدآباد فوت کرده بود)، زمین مسجد بهار، منزل پیشنماز همان مسجد، سینمای ماشین‌رو drive in cinema با ظرفیت ۲۷۰ خودرو (سینمایی که بازدیدکنندگان با خودروی خود وارد آن شده و با نصب بلندگویی به پنجره‌ی ماشین از درون خودرو به تماشای فیلم پرداخته و صدای آن را درون خودروی خود همراه با تنظیم می‌شنیدند)، دبیرستان دخترانه پری آگاهی آرش،

مدرسه راهنمایی هرمز آرش، هنرستان (مجموعه دینی، فرهنگی ورزشی و مارکار فعلی) و ... اشاره کرد. طرح‌ریزی کاربری هنرستان مشابه مدرسه مارکار یزد بوده به این معنی که کارگاه‌های خیاطی، قالی‌بافی، نجاری، مثبت‌کاری و همچنین درمانگاه و خوابگاه برای دانشجویان شهرستانی و خانگی سالمندان پیش‌بینی شده بود. ارباب وفادار تفتی در مقابل مبالغ پرداختی توسط مردم برای تأمین منابع مالی لازم جهت آبادانی تهرانپارس، سفته به امضا و پشت‌نویسی خود و ارباب رستم دینیار مرزبان (برادر همسرش) ارائه کرده بودند.

پس از بروز اختلافاتی میان مالکین و مجری، با حکمیت ارباب رستم گیو زمین‌های هنرستان و drive in cinema و ... جهت تسویه حساب مربوط به سفته‌های امضا شده در اختیار ارباب وفادار تفتی قرار گرفت که هنرستان با مساحت حدود ۲۰ هزار متر مربع با وساطت دکتر اسفندیار یگانگی از طریق میرزا سروش لهراسب به عنوان وکیل انجمن ایرانی بمبئی به نام آن انجمن شد که پس از آن در اختیار انجمن زرتشتیان تهران قرار گرفت و به مجموعه‌ی دینی، فرهنگی و ورزشی مارکار تغییر نام داد.

در نقشه‌ی اصلی تهرانپارس ۴ فلکه وجود داشته است که اکنون تنها دو فلکه‌ی آن باقی مانده است. فلکه‌ی اول به نام فلکه‌ی هرمز، فلکه دوم به نام فلکه تفتی که هم‌اکنون فلکه برای برخورداری از مجوز ساخت برج در گوشه‌ی جنوب شرقی آن تغییر شکل داده و چهارراه اشراق خوانده می‌شود، این برج در محلی بنا شده که قرار شده بود "مروارید باغ" (در جوار رستم باغ) احداث شود. فلکه‌ی سوم به نام فلکه‌ی روئین‌تن و فلکه‌ی چهارم به نام فلکه‌ی وفادار که آن‌هم از صورت اصلی خارج شده و دستخوش تغییرات زیادی شده و هنوز به علت ساخت بزرگراه سامانی نیافته است.

با بروز انقلاب و خروج تهمتن آرش و خانواده از ایران، باغ مجید آباد تبدیل به برج‌هایی برای سکونت فرهنگیان شد و بخش باقی‌مانده با نام پارک پلیس در اختیار عموم مردم قرار گرفت. منزل مسکونی خانواده واقع در پاسداران نیز به اشغال دانشکده‌ی دندانپزشکی دانشگاه آزاد درآمد. با تصرف و ساخت و ساز بی‌رویه زمین‌ها، تهرانپارس از فهرست مناطق اعیانی‌نشین حذف شد.

اطلاعاتی در خصوص مخازن آب تهرانپارس و باغ مجید آباد در روزنامه‌های کشور آمده که برخی داده‌های غلط در آن وجود دارد و لازم است نسبت به تصحیح آنها اقدام شده و گذشته‌ی درست و سره آنها ثبت شود.

مدیر پایگاه محور تاریخی تهران خبر داد
کشف یک مجموعه کم‌نظیر زرتشتی در تهرانپارس



گروه اجتماعی - مخازن آب کشف شده در منطقه تهرانپارس تهران، بخشی از یک مجموعه تاریخی کم‌نظیر است که در نیمه دوم عصر پهلوی اول توسط زرتشتیان بنا شده است. «اسکندر مختاری» مدیر پایگاه محور تاریخی تهران در گفت و گو با خبرنگار «ایران» با بیان این خبر افزود: «در فاصله سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۵ شمسی زرتشتیان مقیم تهران با هدف شهرک‌سازی، سرمایه‌گذاری کلانی برای آماده‌سازی اراضی در منطقه تهرانپارس انجام می‌دهند. در پی این سرمایه‌گذاری، به فاصله چند سال مجموعه‌ای ارزشمند از ابنیه تاریخی شامل نوانخانه زرتشتی برای نگهداری زنان بی‌سرپرست، آتشکده در فلکه دوم، مجموعه مذهبی آدریان مارکار در خیابان جشنواره و باغ و عمارت ارباب هرمز پدید آمد». وی خاطرنشان ساخت: «این ابنیه در کنار یکدیگر مجموعه‌ای کامل را تشکیل می‌دهند که مخازن آب کشف شده بخشی از این مجموعه است. این مخازن برخلاف گفته‌ها، آب‌انبار نیستند زیرا اجزای یک آب‌انبار شامل پاشیر و محل برداشتن آب را ندارند بلکه ۳ مخزن آب هستند که ارزش تاریخی و معماری بالا دارند. این مخازن از محکم‌ترین سازه‌های ماسونری (مصالح بنایی) ساخته شده‌اند و بتون و آجر به گونه‌ای در آنها به کار رفته که قابل تفکیک نیست». گزارش‌ها حکایت از آن دارد که این مخازن هنگام عملیات کارگران شهرداری برای ایجاد کانال فاضلاب کشف شده‌اند و گویا آسیب‌هایی نیز به آنها وارد آمده است. مدیر پایگاه محور تاریخی تهران درباره چگونگی حفاظت از این بناها گفت: «سازمان میراث فرهنگی و گردشگران وظیفه حفاظت، مرمت و ثبت این ابنیه در فهرست آثار ملی را برعهده دارد و تعلق آنها موجب می‌شود عملیات شهرسازی آسیب‌های بیشتری به این مجموعه‌ها وارد سازد».

ضمیمه ۲) (خاطرات ارباب هرمز زنده می شود)

تنها یادگار به جامانده از خان زرتشتی تهران پارس در قلب باغ اناری در آستانه ملی شدن قرار گرفت.

تهران - میراث خبر

گروه اجتماعی صباآذر پیک: عمارت ارباب هرمز تنها یادگار به جامانده از فردی که خان زرتشتی تهرانپارس لقب داشت به عنوان یکی از بی نظیرترین آثار به جامانده از دوران قاجار در شرق تهران در آستانه ثبت آثار ملی قرار گرفته است.

عمارت قاجاری ارباب هرمز در باغ معروف اناری تهرانپارس خانه ویلایی «هرمز آرش» ارباب معروفی است که در اواخر دوران قاجار و اوایل پهلوی، منطقه تهرانپارس را تاسیس کرد.

ارباب هرمز که به عنوان مالک اصلی زمینهای تهرانپارس محسوب می شود، یکی از متولیان زرتشتی شکل دهنده منطقه تهرانپارس بوده و هنوز پس از نیم قرن خاطرات بسیاری از اهالی قدیمی تهرانپارس با ارباب هرمز رقم خورده است.

عمارت ارباب هرمز باغ اناری تهرانپارس به عنوان یکی از بی نظیرترین آثار قاجاری با تزئینات منحصر به فرد و ایوانی در خیابان استخر تهرانپارس و بوستان پلیس قرار گرفته و به گفته معاون حفاظت فنی میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران، به رغم گذشت سالها بی توجهی به این اثر تاریخی، کالبد فیزیکی آن به نحو مطلوبی حفظ شده است.

این عمارت قاجاری در دو طبقه در بخش میانی باغ اناری قرار گرفته است که شامل یک تالار مجلل در طبقه نخست با ۸ پایه ستون و سرستونهای کرنتی و سقف گچبری شده که با طرحهای زیبای هنر ایرانی است.

تزئینات چوبی و گچبریهای رنگ شده در طبقه دوم این عمارت خود را به جای مالیات به وزارت دارایی آن دوران بخشید و بر همین اساس خیابان منتهی به باغ اناری به باغ اناری به این نام معروف شد.

«قدیر افروند» با تاکید بر اینکه عمارت ارباب هرمز از لحاظ معماری و هنر به کاررفته در آن از جمله آثار ملکی بی نظیر به جا مانده از دوران قاجار تهران است، گفت: «بوستان پلیس که این عمارت در بخش انتهایی آن قرار گرفته، در اختیار شهرداری تهران قرار دارد اما هنوز مالک عمارت ارباب هرمز مشخص نشده است. با این وجود این اثر تاریخی پس از ثبت در آثار ملی مورد مرمت و احیا قرار می گیرد.»

ارباب هرمز که به عنوان یکی از منصفترین و بخشندهترین مالکان تهرانپارس محسوب می شده، در زمان شهرداری «مهام» به کمک گروه مهندسانی که طراحی بهشت زهرا را انجام داده بودند، اقدام به خیابان بندی و جدول کشی تهرانپارس کرد.

بدین ترتیب خیابانهای تهرانپارس که در حال حاضر طراحی آنها به عنوان یکی از بهترین طراحیهای شهری قلمداد می شود، شکل گرفت و ارباب هرمز شرق تهران را به تاریخ شهر پیوند داد.

معرفی کتاب

فرزانه گشتاسب

* زرتشتیان

کتابیون مزداپور، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۲، ۱۱۹ ص

ایران دارای تمدنی بسیار کهن و فرهنگی بس عمیق است که مهمترین نگاهبانان آیین‌های کهن باستانی آن را باید زرتشتیان دانست. این دین کهن که زمانی مقتدرانه بر تمامی ایران تسلط داشت اکنون توسط بازمانده‌هایی اندک حفظ و نگهداری می‌شود و امروزه بسیاری از ایرانیان اطلاعاتی ناچیز و اکثراً نادرست درباره دین زرتشتی و زرتشتیان دارند.

کتاب "زرتشتیان" را باید اثری بسیار گرانبه و ارزشمند دانست که هر ایرانی حداقل باید یک بار آن را بخواند و از اطلاعات سودمند آن درباره ایرانیان زرتشتی بهره جوید. این کتاب توسط بانوی فرهیخته دکتر کتابیون مزداپور نگاشته شده است. هنرمندی ایشان در جمع‌آوری موز آنچه که درباره دین زرتشتی دانستی و سودمند است ستودنی است.

این کتاب در ۶ فصل تنظیم شده است. عنوان این فصول به شرح زیر است: فصل یکم، خاستگاه کیش زرتشتی؛ فصل دوم، تحولات کیش زرتشتی تا اسلام؛ فصل سوم، از آغاز اسلام تا دوره معاصر؛ فصل چهارم، دوره معاصر؛ فصل پنجم، دوران تجدید؛ فصل ششم، آداب و باورهای کهن و تحول آنها.

در صفحه ۲۲ کتاب این چنین می‌خوانیم: "دین زرتشتی هرگز دوگانه پرست نیست، بلکه میان نیکی و بدی قائل به تمایزی است قاطع و این تمایز معنی و اعتباری اخلاقی دارد. معیار این تمایز خرد مردمی و

حمایت از حیات و زندگانی نیک و خوشی است برای بیشترین شمار از زندگان. تجلی این دستور در اندیشه یا پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک پدیدار می‌گردد.

در صفحه ۵۴ گوشه‌ای از تاریخ زرتشتیان چنین می‌آید: " در دوره عباسیان فشار بر زرتشتیان برای دست کشیدن از دین نیاکان فزونی می‌گرفت. مقررات دولتی که با احکام محلی تشدید می‌شد، نه تنها اموال، بلکه افراد زرتشتی را هم از این جامعه می‌گرفت. کیش زرتشت ظاهراً بیش از همه در فارس مقاومت کرد. سپس با آمدن مغول به ایران و آشوب و غوغای آن، زرتشتیان صدمه بیشتری خوردند. مغولان در قرن هفتم آتشکده کرکویه را در سیستان ویران کردند. "

اهمیت مهم دیگر کتاب، نقل قول‌های شفاهی و باارزش آن است که زوایای ناشناخته تاریخ معاصر زرتشتیان را به ما می‌نمایاند. در صفحه ۵۹ کتاب چنین می‌خوانیم: " تهیدستی و فقر زرتشتیان که به رغم زحمت و کار سخت تا قرن گذشته با ایشان بوده است، راستگویی و ایمان و وظیفه شناسی آنها را نکاسته است. درستکاری و کوشندگی آنان را همواره مورد اطمینان می‌یابیم. شواهد بسیار در خاطره‌ها مانده و نیز به نگارش در آمده است که همسایگان مسلمان خانه و زندگی و دارایی خود را با اعتماد بیشتر به زرتشتیان می‌سپردند و یا ثروتمندان برای کاری چون باغبانی آنان را آسانتر به خدمت می‌پذیرفته‌اند. انوشیروان بهمردنوش را حاکم یزد هنگامی برای باغبانی در باغ‌های حرم سلطان به تهران فرستاد که ناصرالدین شاه از او بهترین باغبان کاردان و مورد اعتماد را خواسته بود (نقل قول از خانم پریدخت مراد پور) "

استفاده جامع از منابع و ارجاع مناسب به آنها، از این کتاب مرجعی با ارزش برای استفاده محققین و پژوهشگران ساخته است. نثر محکم، شیوا و روان دکتر مزدآپور که ویژگی تمامی کتاب‌ها و مقالات ایشان است در این کتاب بیش از پیش جلوه می‌کند. مطالعه این کتاب را به تمامی همکیشان زرتشتی و هموطنان ایرانی خود پیشنهاد می‌کنیم.

* زبان و ادبیات ایران باستان

زهره زرشناس ، دفتر پژوهش‌های فرهنگی ، ۱۳۸۲ ، ۱۱۹ ص

به گواهی تاریخ، گنجینه ادبی قوم کهن ایرانی بسیار غنی و گسترده است اما متأسفانه آنچه از زبان‌های مختلف ایرانی به صورت مکتوب باقی مانده، در برابر آن حجم گسترده بسیار ناچیز است. این امر حکایت از نابودی گنجینه پر ارزش و کم‌نظیری دارد که به تدریج و به دلایل گوناگون از میان رفته یا آسیب جدی دیده است. (همین کتاب ، صفحه ۱۰۸)

این میراث با ارزش، یادگار اندیشمندی نیاکان خردمند ماست که همواره در گفته‌ها و نوشته‌های خود ستایشگر اهورامزدا، خرد و دانش بوده‌اند و نظام اخلاقی نیرومندی را پایه‌گذاری نموده‌اند که هنوز پس از گذشت هزاران سال، تکیه‌گاه محکم فرزندان این سرزمین اهورایی است.

دکتر زهره زرشناس، فرزند اندیشمند نیاکان ما، در کتاب زبان و ادبیات ایران باستان فرصتی را فراهم نموده‌اند تا علاقمندان به ادبیات باستانی ایران بتوانند با این گنجینه ارزشمند آشنایی پیدا کنند. این کتاب در ۱۱۹ صفحه و ۲ فصل تنظیم گردیده است. فصل اول، زبان و ادبیات باستانی ایران و فصل دوم، زبان و ادبیات میانه ایران.

در این دو فصل معرفی هیچ یک از نوشته‌های ایران باستان از قلم نمی‌افتد و در ضمن تلاش می‌شود پژوهش‌های معتبری که به زبان فارسی و دیگر زبانها درباره هر یک از این آثار انجام شده، معرفی گردد تا علاقمندان و پژوهشگران بتوانند با مراجعه به آنها، به پاسخ مناسب برای پرسش‌های خود دست یابند.

نویسنده معرفی گاهان، سرودهای اندیشه بر انگیز اشوزرتشت را با این جمله آغاز می‌کند: این متن کهن‌ترین اثر ادبی موجود ایرانی است که به اندیشه و تفکر جهان مهم‌ترین خدمت را کرده است و بیشتر ایران‌شناسان بر آنند که در هزاره اول قبل از میلاد سروده شده است. گاهان جمع گاه، قدیمترین بخش اوستا و مشتمل بر هفده سرود است که در اوستای کنونی در میان یسن‌ها قرار دارد و مشتمل است بر یسن‌های ۲۸ تا ۳۴ و ۴۳ تا ۵۱ و ۵۳ (همین کتاب ، صفحه ۲۴)

در صفحه ۵۸ در معرفی متون فلسفی و کلامی که به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی) نوشته شده است اینگونه قلم می‌زنند: ایرانیان از دیر باز با فلسفه یونان آشنا بوده‌اند و این آشنایی در زمان ساسانیان با ترجمه متن‌های فلسفی یونانی به زبان پهلوی عمیق‌تر شد. از دوران ساسانی هیچ اثر فلسفی به زبان پهلوی در دست نیست اما آثار فلسفی و کلامی فارسی میانه که در سده‌های سوم و چهارم قمری تألیف شده‌اند نشان‌دهنده سنتی کهن‌اند که اساس تألیف این آثار بوده است.

ارزش مهم دیگر کتاب، بخش مأخذ آن است که حجم گسترده‌ای از تحقیقات دانشمندان ایرانی و غیر ایرانی را دربارهٔ زبان و ادبیات ایران باستان معرفی می‌کند.
امید است علاقمندان به ادبیات باستانی ایران به کمک این کتاب بتوانند با این میراث گرانبدر آشنا گردند.

پرسش و پاسخ‌های دینی

پرسش : در روز مهر ایزد قدیم گهنباری داشتیم که اجداد ما در نرسی آباد یزد برگزار می‌کردند و تا سال قبل هم اعضای خانواده به هر زحمتی که بود برگزاری آن را ادامه دادند. ولی در حال حاضر بعلت خرابی ساختمان و نداشتن دیگر امکانات و سکونت همگی خانواده در تهران، برگزاری آن به شیوه قدیم در نرسی آباد میسر نیست. آیا می‌توانیم این گهنبار را در معبد تهران برگزار کنیم؟

پاسخ : اگر یک یا چند نفر از همکیشان در یزد و یا دهات اطراف یزد گهنبار چهره (فصل) داشته باشند و به هر صورتی (یا مریضی یا هر امکان موجه دیگری) نتوانند از تهران (یا خارج از کشور) به یزد رفته و مراسم گاهان بارخوانی را انجام دهند بایستی ترتیبی اتخاذ نمایند که گاهانبار را به فامیل یا دوست یا آشنا یا موبدی در یزد بسپارند که گاهانبار را در خانه مورد نظر در محل (یزد یا هر جای دیگری که بیشتر برگزار می‌شده) انجام شود تا درب آن خانه باز شده و آب و جاروب گشته و پذیرای مهمانان هر چند اندک هم که شده باشد و مراسم به خوبی و برطبق سنت و وقف‌نامه به انجام رسد. چنانچه این امر میسر نشد و فامیل یا دوست یا آشنا یا موبدی پیدا نشد که این مسئولیت را بپذیرد، بایستی به‌دین به انجمن زرتشتیان محل مراجعه کند و مبلغ نیت شده را به انجمن بسپارد تا انجمن زرتشتیان آن محل این مهم را به عهده گیرد و باز حتی المقدور در منزل نیت شده و اگر واقعا نمی‌تواند با جمع شدن چند نیت کننده به طور دسته جمعی در محل گهنبارخانه یا آتشکده یا محلی که مورد تایید انجمن موبدان می‌باشد برگزار نماید. در درجه آخر اگر برآستی و به هیچ وجه این امور میسر نیست و انجمن محل و محل‌های مجاور یا استان مربوطه هم این مهم را که جزیی از وظیفه ایشان است نپذیرفت، (هیچ دوست و آشنا و فامیل و هیچ موبد و انجمن محل مجاور و مرکز استان هم نپذیرفت) می‌تواند این گهنبار را به تهران

منتقل نماید. و در همان چهره گهنبار به طور کامل و شایسته برگزار کند و تمام چهارچوب‌های بایسته مورد نظر واقف نیز در برگزاری این گاهانبار به انجام برسد.

پرسش: آیا بهدین سدره‌پوش شونده می‌تواند خود به دور کمر خود در مراسم سدره پوشی کشتی ببندد یا خیر؟

پاسخ: بر اساس سنت بر زرتشتیان بایسته است که فرزندان خود را پیش از ۱۵ سالگی سدره‌پوش نمایند و پیمان‌دین را درمورد ایشان اجرا نمایند. البته چنانچه بهدینی در سنین بالاتر از ۱۵ سال سدره‌پوش هم نشده، می‌تواند درخواست سدره‌پوشی و اقرار به پایبندی به دین و باورهای زرتشتی نماید که کار بسیار شایسته‌ای است. اوستای بایسته برای سدره‌پوش کردن بهدین در هر سن و سالی که باشد از بر بودن اوستای کشتی و سروش واج و از رو خواندن کمینه (حداقل) چهار اوستای «تندرستی»، «ستایش خدا» و «صد و یک نام خدا» و «برساد» و دانستن فلسفه سدره و کشتی و طریقه پوشیدن و بستن و نگاهداری از آنها می‌باشد. وی پس از پیروزی در امتحانی که موبد از ایشان می‌گیرد، به پایه‌ای می‌رسد که می‌تواند با آگاهی کامل راه خویش را برگزیند و به وسیله موبد یا موبدیار سدره‌پوش شود. در هنگام اجرای مراسم که می‌تواند بزرگ یا کوچک و خانوادگی هم باشد، مراسم سدره‌پوشی به انجام می‌رسد. مهم‌ترین بخش این مراسم «پیمان دین» نامیده می‌شود که حتما بهدین سدره‌پوش شونده، بایستی دست در دست موبد، اوستای پیمان دین را سرایش نموده و پای‌بندی خود را به همه اصول و فروع دین زرتشتی اعلام نماید. آنگاه بر موبد سدره‌پوش کننده لازم است که گواهی صادر کرده و با یک قطعه عکس و رونوشت شناسنامه برای انجمن موبدان تهران ارسال نماید تا گواهی ویژه سدره‌پوشی صادر و به این بهدین دین‌دار و دین‌یار و وظیفه‌شناس اهدا گردد.

بر طبق مصوبه انجمن موبدان تهران، کشتی بستن به کمر بهدین در افراد زیر ۱۵ سال بایستی توسط موبد انجام شود. ولی درمورد افراد بالای ۱۵ سال (که سن تکلیف زرتشتیان چه برای دختران چه برای پسران می‌باشد) بهدین خود می‌تواند کشتی خودش را روبروی موبد و باشندگان در مجلس به دور کمر خویش ببندد که مانعی ندارد.

بر موبدان و موبدیاران سراسر کشور بایسته است که نظارت کامل داشته باشند که کسانی را که رنج دانستن را بر خود هموار نمی‌کنند و حداقل آموزش‌های لازم را فرا نمی‌گیرند و از عهده امتحان بر نمی‌آیند به هیچ وجه

سدره‌پوش نمایندند که این کار بسیار ناشایست بوده و به دین و فرهنگ زرتشتی ضربه‌ای جبران‌ناپذیر خواهد زد. در ضمن شایسته است مراسم سدره‌پوشی که یک مراسم کاملاً مذهبی می‌باشد با تجمعات آلوده نشده و تا آنجا که ممکنست ساده برگزار گردد.

پرسش: آیا سفره شاه‌پری و امثال آن آیین دین زرتشتی می‌باشند؟

پاسخ: همان‌گونه که نوشته‌اید، شاه‌پری و ستایش پریان جزو دین ما نیست و به درستی از اورمزد یشت یاد کرده‌اید که آمده « پس گفت زرتشت، ای اهورامزدا ی پاک، آگاه ساز مرا از اسم اعظم خودت که از تمام مانتره‌ها بزرگ‌ترین، بهترین، زیباترین، کارسازترین، فاتح‌ترین، تندرستی‌بخش‌ترین، و برای دفع مردم دیومنش موثرترین است. تا بوسیله آن بر همه جادوگران و پریان پیروز شوم. تا از برکت آن هیچ کس بر من چیره نتواند شدن نه دیو نه بشر نه جادو نه پری». در گاه‌شماری زرتشتیان سه‌شنبه نیز وجود ندارد که سفره‌ای به نام بی‌بی سه‌شنبه پهن کنیم. تازه مگر روزهای هفته که یک مسئله قراردادی است، می‌تواند شفا بخش باشد! از سوی دیگر:

انداختن سفره، همکاری برای برگزاری مراسم سفره، گردهم آمدن، گفتگو و شاد بودن و هم‌زور شدن، سنتی بسیار پسندیده می‌باشد که در مذهب زرتشتی از آن به نیکویی یاد شده است. گرد آمدن به دور سفره و هم‌زور شدن با هم و به شادی به گفتگو پرداختن از سنت‌های خوبی است که می‌توان به نیازهای روانی و اجتماعی پاسخ داد. از این رو انجمن موبدان تهران با برگزاری مراسم سفره انداختن مخالفتی نداشته و پسندیده می‌داند. هر روز از ماه‌های زرتشتیان دارای نامی گرمی است و به ایزدی اختصاص دارد که به‌دینان می‌توانند یک یا چندی از روزهای ایزدی را در ماه انتخاب و به انداختن سفره و جمع شدن دور یکدیگر و هم‌زوری بپردازند. مثل سفره اورمزد روز، سفره وهمن امشاسپند، سفره اش‌تاد ایزد، سفره آبان ایزد و غیره که در روز معین از ماه می‌باشد و می‌تواند به مراسم جنبه بسیار نیکوی مذهبی و شایسته بدهد. امیدواریم اهورامزدا ی چاره ساز همه آرمان‌های به‌دینان را برآورده سازد.

پرسش: قسمتی از آتشکده یزد، جهت بازدیدکنندگان اختصاص دارد که هر روزه بسیاری از درب‌مهر و آتش مقدس وهرام دیدن می‌کنند و شاید افرادی باشند که ندانسته ناپاک به درب مهر بیایند. تکلیف چیست؟

پاسخ: از پاسخگوی آدریان تهران سرکار خانم میترا مرادپور خواسته شده است که هر وقت بازدیدکنندگان غیر زرتشتی تشریف می‌آورند توجه دهند که فرد مراجعه‌کننده بداند که او دارد از یکی از مقدس‌ترین مکان‌های جهان بازدید می‌نماید که آتش وره‌رام گفته می‌شود و مانند پرچمی مقدس نماد هویت دینی و قومی زرتشتیان است. و از آتش نیاکانی با هزاران سال تاریخ است که با نثار خون‌های بسیار حفظ شده است. این آتش با اضافه کردن ۱۶ آتش از طبقات مختلف مردم از آهنگر، مسگر، زرگر و ... آن شهر درست شده و بنابراین از ایشان انتظار داریم که اگر پاک نیستند بداخل مکان آتشکده نیایند و هرگز به این آتش مقدس پشت نکنند. که بسیار موثر بوده و مشاهده می‌شود که خیلی‌ها وارد نمی‌شوند. و کفش خود را بیرون می‌آورند و با سر پوشیده وارد می‌شوند و هرگز پشت به آتش نمی‌کنند. (در یزد نیز اگر اینچنین آیینی یا قانونی مرسوم نیست بایستی مرسوم کرد.)

اخبار

مراسم گشایش دومین دوره کلاس‌های دینی و فرهنگی انجمن موبدان تهران

این مراسم در تاریخ ۸۵/۷/۶ در محل دبیرخانه انجمن موبدان واقع در چهارراه کالج، سازمان جوانان زرتشتی با شرکت باشکوه بیش از صد همکیش دین‌دوست و دین‌یار و رؤسای انجمن‌ها و سازمان‌های زرتشتی در محیطی آکنده از مهر اهورایی برگزار شد.

پس از خیر مقدم توسط رئیس انجمن موبدان تهران، گزارشی از نحوه برگزاری کلاس‌ها توسط مدیریت کلاس‌ها موبد پدram سروش‌پور ارائه شد و سپس رؤسای محترم انجمن زرتشتیان تهران، انجمن تفت و توابع و سازمان فروهر با ایراد سخنرانی، آمادگی خویش را برای یاری رساندن به هر چه بهتر برگزار شدن کلاسها اعلام نمودند. بودجه این کلاسها را موبد مهربان و خانواده محترم زرتشتی تقبل نموده‌اند که برای همگی ایشان آرزوی تندرستی، دیرزیوی و شادکامی داریم.

نخستین نشست روسای ارگان‌های رسمی جامعه زرتشتی در رابطه با امور پیرها (زیارتگاه‌ها):

پسین روز پنجشنبه ماه ایزد و مهرماه برابر با ۸۵/۷/۶ نخستین جلسه «همکاری انجمن‌ها و سازمان‌های زرتشتی برای شناخت مشکلات موجود در زیارتگاه‌ها و یافتن راهکارهایی برای برطرف کردن آنها» با حضور جناب آقای مهندس دانشمند رییس انجمن زرتشتیان تهران، سرکار خانم مهربانی (رییس سازمان زنان زرتشتی)، جناب آقای دکتر اهورایی (ریاست سازمان جوانان زرتشتی (فروهر))، جناب آقای دکتر دبستانی (رییس انجمن زرتشتیان

شریف‌آباد مقیم مرکز)، جناب آقای پوررستمی (ریاست محترم انجمن تفت و توابع مقیم مرکز) و تعدادی از فرهیختگان جامعه زرتشتی خانم‌ها توران شهریاری، مهرانگیز شهزادی و آقایان مهربان مهر، کامران گشتاسی و کیخسرو کیخسرو زاده که در جلسه حضورداشتند تشکیل گردید. (نماینده محترم زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی و گرامی کانون دانشجویان زرتشتی تشریف نیاورده بودند). نخست رییس انجمن موبدان تهران علت تشکیل این جلسه را که البته پیشاپیش طی نامه کتبی به آگاهی رسیده بود مجدداً بیان نمود و پس از حدود یکساعت بحث و بررسی نتایج زیر بدست آمد :

۱. مشخص شد که هر کدام از پیرها تحت تولیت انجمن زرتشتیان محل می‌باشد و از این به بعد هم همگی مایل هستند که این مدیریت به همان صورت پیشین ادامه یابد و این گروه، تنها برای شناخت دقیق‌تر و هماهنگی بیشتر تشکیل می‌شود و تنها جنبه ارشادی و جلب کمک‌های مادی و معنوی به متولیان اصلی پیرها را داشته و هیچگونه حق دخالت در امور ایشان را به خود نمی‌دهد.
۲. کار این گروه نایستی به یک یا دو جلسه ختم شود، بلکه هر یک ماه یکبار در محل انجمن موبدان تهران تشکیل خواهد یافت.
۳. کار این گروه که از امروز آغاز می‌گردد از شناخت مشکلات شروع می‌شود. از این رو جناب آقای پوررستمی قبول زحمت فرمودند تا با کمک دیگر انجمن‌ها و سازمان‌های زرتشتی با همه انجمن‌های یزد و اردکان و کرمان تماس حاصل نموده و دقیقاً موضوع را مورد ارزیابی کارشناسی قرارداد و گروه را از نتایج این بررسی آگاه نمایند.
۴. جناب آقای دکتر مهربان مهر، پیشنهاد تشکیل گروهی با ریاست همه انجمن‌ها و سازمان‌های زرتشتی تحت عنوان «سازمان میراث فرهنگی زرتشتیان» را نمودند که البته مورد توجه بسیار قرار گرفت ولی از آنجا که سنگ بزرگ علامت نزدن است و ممکن است کار به تعویق افتد، این پیشنهاد ارزشمند فعلاً مورد تصویب قرار نگرفت.
۵. در پایان رییس انجمن موبدان تهران از همگی شرکت کنندگان در جلسه سپاسگزاری نمود و باز هم تکرار کرد که کنکاش تحت مدیریت ایشان، نه بر طبق اساسنامه می‌تواند و نه می‌خواهد و نه امکانات مادی و معنوی آن را دارد که بتواند در این کار بسیار ارزشمند، رسماً و عملاً دخالت داشته باشد و تنها مایل است که نقش کدخدانمشی را به عهده گیرد و البته آمادگی خود را برای هرگونه یاری معنوی (دینی فرهنگی) که از سوی هر ارگان زرتشتی در ارتباط با امور پیرهای زرتشتی از ایشان خواسته شود، اعلام می‌نماید که از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد.

دومین نشست روسای ارگان‌های رسمی جامعه زرتشتی در رابطه با امور پیرها (زیارتگاه‌ها) :

این نشست که در تاریخ ۷ آبان در محل انجمن موبدان تشکیل شد به نتایج زیر دست یافت:

۱. با تایید عملکرد انجمن موبدان تهران در جهت رفع همه نارسایی‌های موجود در امور اداره پیرها از طریق کدخدانمشی و راهنمایی، مجدداً تاکید شد که هر کدام از پیرها تحت تولیت انجمن زرتشتیان محل می‌باشد و همگی مایل هستیم که این مدیریت به همان صورت پیشین ادامه یابد و این گروه، تنها برای

شناخت دقیق‌تر و هماهنگی بیشتر تشکیل شده و تنها جنبه ارشادی و جلب کمک‌های مادی و معنوی خیراندیشان، به متولیان اصلی پیرها را داشته و هیچگونه حق دخالت در امور ایشان را به خود نمی‌دهد.

۲. اهداف گروه اینست که پس از بررسی و شناخت کامل مشکلات و مسائل، به انجمن‌های محلی کمک کند تا :

الف : همه اماکن مذهبی، پیرها و زیارتگاه‌هایی که تاکنون به ثبت نرسیده است، به ثبت انجمن محل برسد.

ب : یاری‌رسان باشیم تا همه زیارتگاه‌ها حصارکشی شود تا انجمن‌های محلی بتوانند بر اداره امور تسلط کامل داشته باشند.

ج: انجمن‌های محل با یاری همه خیراندیشان بصورتی تقویت شوند که بتوانند با مدیریت دقیق خود، هم کسب درآمد بیشتر داشته و هم کنترل کامل بر روی زیارت‌کنندگان حاصل نمایند. از ورود افراد ناباب جلوگیری به عمل آید و از توریست‌ها و غیر زرتشتیانی که به راستی به پیر اعتقاد و علاقه دارند، به درستی پذیرایی به عمل آمده و ضمن حفظ حرمت پیران و زیارتگاه‌ها و چاپ بروشورهای مناسب و زیبا و گویا، بهترین محیط زیارتی و سیاحتی برای بازدیدکنندگان فراهم گردد. و در نهایت بین انجمن‌های محلی و این گروه که از روسای همه انجمن‌ها و سازمان‌های زرتشتیان در تهران تشکیل یافته است، هم‌آمیزی بیشتر فراهم گردد.

۳. با وضعیتی که وجود دارد و روز به روز به تعداد توریست‌ها اضافه شده، و بر مشکلات افزوده می‌شود و با مهاجرت‌هایی که صورت می‌گیرد، از تعداد بهدینان محلی کاسته می‌گردد. برآستی دیگر درنگ جایز نیست و بایستی دست یاری به سوی همه انجمن‌های محلی که متولی پیرها و زیارتگاه‌های زرتشتیان در سرتاسر ایران می‌باشند دراز کنیم و با همه توان آنها را یاری‌رسان باشیم.

* در پایان مقرر شد که پرسش‌نامه‌ای برای همه انجمن‌های زرتشتیان ایران فرستاده شود تا در مرحله اول اطلاعات لازم درباره نحوه اداره زیارتگاه، حصارکشی، خادم پیر، امکانات زیارتگاه، تأمین بودجه لازم و ... به دست آید.

نوزوتی مهندس جمشید بهمن موبد جمشید جمشیدی

در روز وهمن امشاسپند و آذرماه ۳۷۴۴ دینی برابر آدینه ۲۶ / ۶ / ۸۵ مراسم نوزوتی مهندس جمشید جمشیدی نوه موبد اردشیر آذرگشسب در محل آدریان تهران برگزار گردید. انجمن موبدان تهران برای ایشان مهر اهورامزدا را در راه نگاهبانی و گسترش دین اهورایی زرتشت اسپنتمان آرمان دارد.

مسابقه فرهنگی " آنچه من از گاتاها آموختم "

حدود یکسال پیش پیشنهاد برگزاری مسابقه‌ای تحت عنوان " آنچه من از گاتاها آموختم " از سوی بنیاد محترم ارباب رستم گیو به انجمن موبدان تهران رسید، پس از آنکه خبر آن به همکیشان داده شد، ۲۹ نوشتار به دست

پیک انجمن موبدان (رویه ۶۶)

انجمن موبدان رسید که برای بنیاد فرستاده شد و ایشان پس از داوری نفرات اول تا سوم را به شرح زیر انتخاب نمودند.

۱_ آقای رامین شهزادی

۲_ خانم راشین جهانگیری و آقای داریوش یل‌زاده

۳_ آقای آرش خورشیدیان

کتابی شامل پیش گفتار، شرح حال روانشاد ارباب رستم گیو و تمامی ۲۹ نوشتار تکثیر گردیده است که علاقمندان می توانند آن را از انجمن موبدان تهران تهیه فرمایند.

برگزاری جشن آذرگان

در سوم آذر ماه ۱۳۸۵ جشن آذرگان با همکاری انجمن زرتشتیان تهران و انجمن موبدان تهران در تالار دبیرستان فیروزبهرام برگزار گردید. در این جشن خجسته به زوتی مهربان فیروزگری و هموندی موبدان کیخسرو مزدیسنی، مهرداد خورشیدیان، دکتر تورج خدابخشی، پدram سروش‌پور و اردشیر بهمردی، ۶ تن از فرهیختگان زرتشتی‌زاده به جرگه بسته کشتیان پیوستند.

این برنامه با سخنرانی رئیس انجمن زرتشتیان تهران مهندس الله یار دانشمند و رئیس انجمن موبدان تهران موبد دکتر اردشیر خورشیدیان ادامه یافت و پس از آن جوایز نفرات اول تا سوم " مسابقه آنچه من از گاتها آموختم " اهدا گردید، سخنرانی و سرایش شعر توسط سرکار خانم توران بهرامی، اجرای برنامه شاد توسط مهد کودک پرورش، اجرای چند ترانه به وسیله گروه کر کانون دانشجویان زرتشتی و دکلمه سرایی توسط مهرانوش خورشیدیان زینت بخش این جشن بود. مجری این برنامه خانم دکتر آزیتا خورشیدیان و هماهنگ کنندگی برنامه ها را مهندس آرش خورشیدیان برعهده داشتند که از همگی آنها سپاسگزاریم. در پایان از تمامی باشندگان با شام سنتی آش و سیروگ پذیرایی شد.

اعتراض به روزنامه اطلاعات

در تاریخ ۸۵/۸/۱۸ مقاله‌ای تحت عنوان آثار شیخ محمود شبستری در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید که انجمن موبدان تهران لازم دانست به دلیل محتوای توهین آمیز این نوشتار، نامه اعتراض آمیزی به مدیر

مسئول محترم این روزنامه بنویسد که متن آن در زیر می‌آید. لازم به ذکر است که ایشان دو هفته بعد در همان صفحه عذرخواهی نمودند.

جناب آقای حجت الاسلام سید محمود دعایی - مدیرمسئول محترم روزنامه اطلاعات
نهال دوستی بنشان که کام دل به بار آرد نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد
بادرود،

به آگاهی می‌رساند که در صفحه ۶ شماره ۲۳۷۷۰ پنجمین ۱۸ آبان ماه ۱۳۸۵ در بخش «وادی ادبیات» مقاله‌ای تحت عنوان «آثار شیخ محمود شبستری» نوشته دکتر سید جعفر حمیدی استاد دانشگاه شهید بهشتی، به چاپ رسیده بود که سراسر توهین به پیامبران الهی بوده و موجب نفاق و پراکندگی بین پیروان ادیان شناخته شده و به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران می‌گردد. این مقاله به ویژه در ستون سوم از سطر پنجم تا چند سطر مانده به انتهای ستون چهارم توهین مستقیم و بسیار بی‌پروا به پیامبران الهی و در چند شعر آورده شده، بی‌حرمتی و توهین مستقیم به مقام مقدس پیامبر باستانی ایران اشوزرتشت و همه زرتشتیان می‌باشد، که پیروان ادیان الهی همچون مسیحی و زرتشتی را فرقه ضاله و مستوجب حتی قتل دانسته است و دل هر دین‌داری را به درد می‌آورد.

از روزنامه وزین اطلاعات پرخواننده، بامدیریت مسوولی چون جنابعالی که پیرو راه امام (ره) می‌باشید و همیشه ناشر و اشاعه‌دهنده افکار نیکو و دوستی و مهر و محبت و ایجاد اتحاد و یگانگی بین آحاد ملت بوده و مطالب متنوعی در زمینه‌های مختلف به ویژه ایران‌شناسی منتشر می‌نمایند، به راستی انتظار نمی‌رفت که چنین مقاله‌ای به شدت بی‌پروا و تفرقه‌آمیز را به چاپ برساند.

در اینجا با اعتراض شدید نسبت به چاپ این گونه مقالات توهین‌آمیز، که جز دلگیری هم‌میهنان شما و سوءاستفاده دشمنان قسم خورده کشور اهورایی ایران، اثر دیگری نخواهد داشت و بیانگر و نشان دهنده آن خواهد بود که عده‌ای تصور کنند که در این زمان حساس نیز باید از آن شیوه و طرز فکر بهره جویند و پیروی کنند که این برخلاف فرمایشات حضرت امام خمینی (ره) استنباط می‌گردد که پیشتر در صفحه ۷ شماره ۱۹۰۶۲ تاریخ یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۶۶ و چند شماره دیگر روزنامه اطلاعات به چاپ رسانده‌اید.

اینک به عرض مراتب فوق، خواهشمند است اجازه ندهید که مطالبی این چنین تفرقه‌انگیز و نگران‌کننده که ممکنست خدای نکرده موجب عدم امنیت جانی و مالی اقلیت‌های دینی ایرانی را فراهم نماید، در روزنامه وزین اطلاعات چاپ و منتشرگردد و نگذارید که مقالاتی که به این صراحت برخلاف عقاید گهربار بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصول انسانی و حقوق بشر می‌باشد، به چاپ رسد.

از آن مدیر مسوول خردمند و بافرهنگ می‌خواهیم که حداقل همان فرمایشات حضرت امام (ره) را که در صفحه هفت شماره ۱۹۰۶۲ به چاپ رسانیده‌اید را مجدداً در همین صفحه ۶ «همراه با نقاشی یا تصویری وحدت انگیز» به چاپ برسانید تا خوانندگان شما به حقوق اقلیت‌ها در کشور واقف گشته و همانا نقطه نظرات وحدت‌گرایانه و اندیشه برانگیز امام خمینی (ره) جای نفاق را بگیرد.

امیدواریم که با چاپ فرمایشات گهربار حضرت امام(ره) بر زخمی که با انتشار این نوشته، در دل زرتشتیان و سایر دین‌داران و دین‌باوران و میهن‌دوستان پدید آمده و آزدگی که از مجله وزین اطلاعات فراهم شده، مرهمی گذاشته باشید.

اعتراض به مطالب کتاب "هزارتقلب دیگر از ..."

در سال گذشته نامه ای به عنوان اعتراض به مطالب کتاب "هزارتقلب دیگر از شجاع‌الدین شفا در تولدی دیگر" به ادارهٔ محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی نوشته شد که متن آن در زیر می‌آید. متأسفانه تا کنون پاسخی دریافت نشده است.

بنام خداوند جان و خرد

ریاست محترم اداره ارشاد اسلامی

با درود و سپاس بی‌کران.

محترماً به عرض می‌رساند که اخیراً تعدادی از همکیشان گرامی در مورد مطالب بسیار توهین آمیزی که در مورد دین و مذهب زرتشتی در کتاب «هزارتقلب دیگر از شجاع‌الدین شفا در تولدی دیگر» اعتراض داشته و از این انجمن که بخش معنوی (دینی، فرهنگی) جامعه زرتشتیان ایران را به عهده دارد خواسته‌اند که از طریق مدنی پیگیری نمایند. تا رسماً نویسنده از زرتشتیان عذرخواهی کرده این بخش‌ها را از کتاب خویش حذف نماید. این کتاب که تحت شناسنامه نشر نامک ۱۳۸۳ / ۲۴۰ صفحه 7-38-964-6895-ISBN به چاپ رسیده توسط اعضای این انجمن مورد بررسی قرار گرفت. از متن کتاب بر می‌آید که فردی بنام شجاع‌الدین شفا که دین و آیینش بر ما معلوم نیست و مسلم می‌دانیم که زرتشتی نمی‌باشد و خارج از کشور به سر می‌برد، در کتابی به نام «تولدی دیگر» به مقدسات هموطنان مسلمان ما توهین‌هایی روا داشته و به چاپ رسانیده که مولف کتاب آقای مهدی چهل تنی درصدد دفاع برآمده اند که البته این حق هر انسانی است که از اعتقادات و مقدسات خویش با دلیل و برهان دفاع بنماید. ولی بر ما معلوم نشد که چرا بخش بزرگی از این کتاب به تهمت و ناروا گفتن به دین مزدپرستی و مذهب زرتشتی پرداخته است و از آن عجیب‌تر اینکه چرا اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی که برخاسته از انقلاب مقدس اسلامی و جمهوری اسلامی ایران و مدافع حقوق مردم ایران از جمله اقلیت‌های زرتشتی می‌باشد و همیشه پشتیبان حق و مبلغ وحدت بوده است، اجازه چاپ این کتاب را صادر نموده‌اند.

به نظر می‌رسد که این بار نیز متأسفانه دیواری را کوتاه‌تر از ما اقلیت زرتشتی پیدا نکرده‌اند و چون زورشان به این مرد حق ناشناس نرسیده هر چه دروغ و تهمت و ناروا داشته‌اند بی‌پروا نصیب ما زرتشتیان نموده‌اند. درحالی‌که همه دانشمندان می‌دانند که کتاب آسمانی ما زرتشتیان «گاتاها» می‌باشد. که تمام و کمال در بطن یسنا به جا مانده است و بقیه بخش‌های اوستا توسط موبدان بزرگ در هر زمان نوشته شده که درست است که آسمانی نمی‌باشد ولی مورد قبول و احترام زرتشتیان می‌باشد. بخش‌هایی هم از نوشته‌های موبدان و زرتشتیان وجود دارد که به

هیچ وجه جزء اوستا نبوده و نظر و برداشت شخصی آنها در برهه‌هایی از زمان می‌باشد که برای توجیه مردم عامی نوشته شده است و نویسندگان بیشتر به این بخش‌ها تکیه نموده است ووو...

از آن مقام محترم و ارجمند خواهشمند است دستور فرمایند که هرچه سریعتر به موضوع رسیدگی گردد و از هتک حرمتی که به مقدسات ما زرتشتیان شده است رسیدگی و رفع ابهام گردد و از نویسندگان خواسته شود که وارد کردن این گونه تهمت‌ها و نارواها به دین زرتشت و فرهنگی که چهار هزار سال است در ایران زندگی می‌نماید و مورد پذیرش کتاب مقدس مسلمانان قرآن مجید و حضرت امام خمینی (ره) و جمهوری اسلامی قرار گرفته و در قانون اساسی ایران مورد پذیرش قرار گرفته است برخلاف انصاف و عرف بین الملل و نظر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، عذرخواهی نموده این بخش‌ها را از کتاب خویش حذف نمایند.

ارائه مطالب دینی با استفاده دروغین از نام اعضای انجمن موبدان

متأسفانه باخبر شدیم که افرادی ناشناس تعدادی وبلاگ به نام اعضای انجمن موبدان تهران ایجاد کرده‌اند و از قول ما مطالب دینی و فرهنگی به مردم ارائه می‌دهند، به این وسیله به آگاهی همه همکیشان و فرهیختگان می‌رسانیم که هیچیک از اعضای انجمن موبدان وبلاگی نداشته و مطالب این گونه سایت‌ها مورد تأیید ما نمی‌باشد.

مراسم گشایش نخستین دوره کلاس‌های
دانشنامه پایه سوم دینی انجمن موبدان تهران

در شهرستان یزد

تاریخ: آدینه رشن ایزد تیرماه برابر با ۱۳۸۶/۴/۱۵

مکان: یزد، تالار بانو بمان - بزرگ‌چمی

ساعت: ۹ بامداد

دهش خیر اندیشان

دهش به انجمن موبدان تهران				
۵۰۰,۰۰۰	به مناسبت سی‌امین سال روانشاد فرنگیس شهریار نوشیروانی	بانو رشید وهرامی	خانم	۱
۷۰۰,۰۰۰	تاج گل سر خاک بهشتی روان بانو دولت شهزادی (خورشیدیان)	آبتین و خانواده گرامیشان	آقای	۲
۵۰۰,۰۰۰	//	موبد دکتر ازدشیر خورشیدیان و...	آقای	۳
۵۰۰,۰۰۰	//	مهندس هرمز اورمزدی و خانواده گرامیشان	آقای	۴
۳۰۰,۰۰۰	//	مهندس فرید آبتین و دکتر آریتا خورشیدیان	آقای	۵
۳۰۰,۰۰۰	//	دکتر سهراب خورشیدیان و خانواده گرامیشان	آقای	۶
۳۰۰,۰۰۰	//	موبد رشید خورشیدیان و خانواده گرامیشان	آقای	۷
۳۰۰,۰۰۰	//	موبد مهرداد خورشیدیان و خانواده گرامیشان	آقای	۸
۲۰۰,۰۰۰	//	دینیار خسروی و خانواده گرامیشان	آقای	۹
۱,۰۰۰,۰۰۰	به مناسبت جشن آذرگان (سدره پوشی)	رستم ستوده نیا و خانواده گرامیشان	آقای	۱۰
۲۰۰,۰۰۰	دهش به انجمن موبدان تهران	پروین اوشیدری	خانم	۱۱
۱,۵۰۰,۰۰۰	دهش به انجمن موبدان تهران	موبد دکتر تورج خدابخشی و خانواده گرامیشان	آقای	۱۲
۱,۰۱۰,۰۰۰	دهش به انجمن موبدان تهران	برزگر	خانم	۱۳
۱,۰۰۰,۰۰۰	به مناسبت سال آن روانشاد و همسرشان مهربانو خانم بامسی	روانشاد موبد فریدون زرتشتی	خانواده	۱۴
۷۰۰,۰۰۰	دهش به انجمن موبدان تهران از آمریکا	بانو موبد (شهزادی) و کمیته سالمندان کالیفرنای جنوبی	خانم	۱۵
۲۰۰,۰۰۰	دهش به انجمن موبدان تهران	فرزاد لهراسبی	آقای	۱۶
	دهش ۱۲ عدد صندلی به انجمن موبدان تهران	مهین بانو هنگامی	خانم	۱۷
	دهش یک عدد دستگاه فتوکپی به انجمن موبدان تهران	افسانه خدادادی به نامگانه مهندس رستم پارکی	خانم	۱۸
۱,۰۰۰,۰۰۰	جهت کارهای فرهنگی انجمن	روانشاد سام وحیدی	خانواده	۱۹